

# پاسخگویی ابعاد حقوقی بازرسی و نظارت در نظام جمهوری اسلامی ایران

● دکتر سید عباس تولیت\*

## مقدمه

پرسشگری و پاسخگویی مانند هر اقدام دیگری باید دارای ضابطه و قانونمند باشد. در نظام حقوقی ایران قوانین و آیین نامه‌های متعددی تدوین و تصویب شده که ضوابط و شرایط نظارت بر عملکرد مسئولین و مأمورین دولت را که از مقدمات و مقومات پاسخگویی است، را تشریح کرده و برشمرده است. اگرچه این قوانین و آیین نامه‌ها متفرق و پراکنده اند و به همین دلیل تدوین و تصویب نظام جامع نظارت و پاسخگویی کاملاً ضروری است، لکن برای پی بردن به همین ضرورت و برای ساماندهی و هماهنگی مراجع نظارتی و به منظور پی بردن به خلأهای قانونی و احیاناً حمایت‌های مالی از مراجع بازرسی و نظارت، چاره‌ای نیست جز اینکه ابتدا همین قوانین متفرق گردآوری شده، قلمرو فعالیت نهادهای بازرسی و نظارت و میزان اقتدار و کارآمدی آنها مورد مطالعه قرار گیرد و سپس عوامل احتمالی ضعف نظام بازرسی مشخص شود. مضاف بر این، اطلاع عموم مردم و مسئولان از قوانین بازرسی و نظارت و قلمرو اجرایی آن، به نوبه خود در برطرف کردن فضای ابهام و سردرگمی نسبت به طرح شکایات به مراجع نظارتی ذیصلاح و رسیدن به پاسخ مطلوب، تأثیر فراوانی دارد.

از این رو راقم این سطور عمده تلاش خود را در جهت شناساندن قوانین و قواعد نحوه رجوع به مراجع بازرسی و نظارت و در فرض عدم دریافت پاسخ مناسب، مراجع رسیدگی و صدور رأی قرار داده است. بدیهی است برای آنکه پرسشگری نیز منطقی باشد، پرسشگر باید حدود انتظار خود را از مراجع پاسخگو، تعدیل نماید تعدیل انتظار

\*. استاد دانشگاه و مشاور فرهنگی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی



به معنای صرف نظر کردن و چشم پوشی از حق نیست بلکه به معنای شناخت دقیق حد حقوق قابل مطالبه است که این مورد نیز اقتضا دارد که هم پرسشگر و هم پاسخگو با قوانین و آیین نامه‌هایی که حدود حق قابل مطالبه و شرح وظایف نهادهای پاسخگو را معین نموده است آشنا گردند. مخلص سخن اینکه قانونمداری از لوازم لاینفک تحقق نظارت و پاسخگویی کارآمد است.

\* \* \*

وقتی می توان از پاسخگویی سخن گفت و زمانی می توان بر کسی واژه پاسخگو را اطلاق نمود که پیش از آن از او سؤالی شده باشد. به همین ترتیب سؤال از شخصی به عمل می آید که دارای تکلیف و مسؤولیت باشد. مسؤولیت به معنای اجتماعی آن به این معنا است که مسؤول کسی است که عقلاً یا عرفاً و یا به موجب قانون در ازای امتیازات و امکانات و اختیارات و به تناسب حقوقی که برای او منظور می شود تکالیف و وظایفی را برعهده بگیرد. به عنوان مثال موکل حق دارد از وکیل دعای خود بپرسد چه اقداماتی در دعوای مطروحه به عمل آورده و به چه نتایجی رسیده است و یا مردم حق دارند که از وکلای مجلس بپرسند که در امر تدوین و تصویب قوانینی که صلاح و رفاه فرد و جامعه را تأمین می کند چه اقدامی کرده اند و چگونه با تحقیق و تفحص به موقع و مقتضی، حسن اجرای قوانین در قوه مجریه را تعقیب و تضمین نموده‌اند.

پرسشگری به گونه‌ای که فوقاً تقریر و به ذهن تقریب شد، حق طبیعی پرسشگران است و پرسشگری با شرایط یاد شده هرگز به معنای زیر سؤال بردن بی مورد و بهانه جویی و بهتان زدن به رؤسا، وکلا، وزرا، سفرا و قضات نیست.

طبیعی بودن پرسشگری و تکلیف به پاسخگویی ناشی از حق حاکمیت ملت است. اگرچه حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است لکن او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. به موجب اصل پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی، ملت ایران این حق حاکمیت الهی را عمدتاً از طریق قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه اعمال می نماید و به تعبیر اصل ششم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، خیرگان منتخب

مردم و اعضای شوراها. این از افتخارات نظام است که از ابتدای تأسیس تاکنون به طور متوسط در هر سال حداقل یک نوبت انتخابات به وسیله مردم صورت گرفته است. به موجب آخرین اصل قانون اساسی، یعنی اصل یکصد و هفتاد و هفتم، محتوای اصل مربوط به اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی، تغییرناپذیر است. حکومت‌ها ممکن است از نظر تأمین حوائج مادی مردم یکسان عمل کنند، در عین حال از نظر جلب و تحصیل رضایت عمومی یکسان نتیجه نگیرند، بدان جهت که یکی حوائج روانی اجتماع را برمی آورد و دیگری بر نمی آورد. یکی از چیزهایی که رضایت عموم بدان بستگی دارد این است که حکومت با چه دیده‌ای به توده مردم و به خودش نگاه می کند؛ با این چشم که آنها برده و مملوک و خود، مالک و صاحب اختیار است؟ و یا با این چشم که آنها صاحب حق اند و او خود تنها وکیل و امین و نماینده است؟ در صورت اول هر خدمتی انجام دهد از نوع تیماری است که مالک یک حیوان برای حیوان خویش انجام می دهد، و در صورت دوم از نوع خدمتی است که یک امین صالح انجام می دهد. اعتراف حکومت به حقوق واقعی مردم و احتراز از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حق حاکمیت آنها باشد، از شرایط اولیه جلب رضا و اطمینان آنان است. در قرون جدید - چنانکه می دانیم - نهضتی بر ضد مذهب در اروپا برپا شد و کم و بیش دامنه اش به بیرون دنیای مسیحیت کشیده شد. گرایش این نهضت به طرف مادیگری بود. وقتی که علل و ریشه های این امر را جستجو می کنیم می بینیم یکی از آنها نارسایی مفاهیم کلیسایی از نظر حقوق سیاسی است. ارباب کلیسا و همچنین برخی فیلسوفان اروپایی، نوعی پیوند مصنوعی میان اعتقاد به خدا از یک طرف و سلب حقوق سیاسی و تثبیت حکومت استبدادی از طرف دیگر برقرار کردند؛ طبعاً نوعی ارتباط مثبت میان دموکراسی و حکومت مردم بر مردم و بی خدایی فرض شد.

چنین فرض شد که یا باید خدا را بپذیریم و حق حکومت را از طرف او تفویض شده به افراد معینی که هیچ نوع امتیاز روشنی ندارند تلقی کنیم و یا خدا را نفی کنیم تا بتوانیم خود را ذی حق بدانیم.

از نظر روانشناسی مذهبی، یکی از موجبات عقبگرد مذهبی این است که اولیای مذهب میان مذهب و یک نیاز طبیعی تضاد برقرار کنند، مخصوصاً هنگامی که آن نیاز در سطح افکار عمومی ظاهر شود. درست در مرحله ای که استبدادها و اختناق‌ها در



اروپا به اوج خود رسیده بود و مردم تشنه این اندیشه بودند که حق حاکمیت از آن مردم است، کلیسا یا طرفداران کلیسا و یا با اتکا به افکار کلیسا این فکر عرضه شد که مردم در زمینه حکومت فقط تکلیف و وظیفه دارند نه حق. همین کافی بود که تشنگان آزادی و دموکراسی و حکومت را بر ضد کلیسا، بلکه بر ضد دین و خدا به طور کلی برانگیزد.

این طرز تفکر، هم در غرب و هم در شرق ریشه‌های بسیار قدیمی دارد. ژان ژاک روسو در قرارداد اجتماعی می‌نویسد:

«فیلون (حکیم یونانی اسکندرانی در قرن اول میلادی) نقل می‌کند که کالیگولا (امپراتور خونخوار رم) می‌گفته است همان قسمی که چوپان طبیعتاً بر گله‌های خود برتری دارد، قانئین قوم جنساً بر مرئوسین خویش تفوق دارند. و از استدلال خود نتیجه می‌گرفته است که آنها نظیر خدایان، و رعایا نظیر چهارپایان می‌باشند»

در قرون جدید این فکر قدیمی تجدید شد و چون رنگ مذهب و خدا به خود گرفت، احساسات را بر ضد مذهب برانگیخت. در همان کتاب می‌نویسد:

«...گرسیوس (رجل سیاسی و تاریخ نویس هلندی که در زمان لویی سیزدهم در پاریس به سر می‌برد و در سال ۱۶۲۵م کتابی به اسم «حق جنگ و صلح» نوشته است) قبول ندارد که قدرت رؤسا فقط برای آسایش مرئوسین ایجاد شده است؛ برای اثبات نظریه خود وضعیت غلامان را شاهد می‌شود، آزادی دارد کاری که برای آن کار محکوم به مرگ خواهد شد بکند یا نکند. در مورد حکمرانی که مردم را بیگناه به هلاکت می‌رساند نیز حکم همان است، زیرا هرچند عمل او خلاف قانون طبیعت و خلاف انصاف است، چنانکه کشتن «اوریا» توسط «دئاود» چنین بود، اما به اوریا ستم نشد، بلکه ستم به خداوند شد...»<sup>۱</sup>

چنانکه ملاحظه می‌کنید، در این فلسفه‌ها مسؤولیت در مقابل خداوند موجب سلب مسؤولیت در مقابل مردم فرض شده است؛ مکلف و موظف بودن در برابر خداوند کافی دانسته شده است برای اینکه مردم هیچ حقی نداشته باشند؛ عدالت همان باشد که حکمران انجام می‌دهد و ظلم برای او مفهوم و معنی نداشته باشد... به عبارت دیگر، حق الله موجب سقوط حق الناس فرض شده است. مسلماً آقای هوبز در عین اینکه بر حسب ظاهر یک فیلسوف آزادفکر است و متکی به اندیشه‌های کلیسایی نیست، اگر نوع اندیشه‌های کلیسایی در مغزش رسوخ نمی‌داشت چنین نظریه‌ای نمی‌داد.



آنچه در این فلسفه‌ها دیده نمی‌شود این است که اعتقاد و ایمان به خداوند پشتوانه عدالت و حقوق مردم تلقی شود.

حقیقت این است که ایمان به خداوند از طرفی زیربنای اندیشه عدالت و حقوق ذاتی مردم است و تنها با اصل قبول وجود خداوند است که می‌توان وجود حقوق ذاتی و عدالت واقعی را به عنوان دو حقیقت مستقل از فرضیه‌ها و قراردادهای پذیرفت، و از طرف دیگر بهترین ضامن اجرای آنهاست. منطق نهج البلاغه در باب حق و عدالت بر همین اساس است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۲۱۴ چنین می‌فرماید:

«خداوند برای من به موجب اینکه ولی امر و حکمران شما هستم حقی بر شما قرار داده است و برای شما نیز بر من همان اندازه حق است که از من بر شما. همانا حق برای گفتن، وسیع ترین میدان‌ها و برای عمل کردن و انصاف دادن، تنگ ترین میدان هاست. حق به سود کسی جریان نمی‌یابد مگر آنکه به زیان او نیز جاری می‌گردد و حقی از دیگران بر عهده اش ثابت می‌شود، و بر زیان کسی جاری نمی‌شود و کسی را متعهد نمی‌سازد مگر اینکه به سود او نیز جاری می‌گردد و دیگران را درباره او متعهد می‌کند.» چنانکه ملاحظه می‌فرمایید، در این بیان همه سخن از خداست و از حق و عدالت و از تکلیف و وظیفه، اما نه به این شکل که خداوند به بعضی از افراد مردم فقط حق اعطاء فرموده است و آنها را تنها در برابر خود مسؤول قرار داده است و برخی دیگر را از حقوق محروم کرده، آنان را در مقابل خودش و صاحبان حقوق، بی حد و نهایت مسؤول قرار داده است و در نتیجه عدالت و ظلم میان حاکم و محکوم مفهوم ندارد. و هم در آن خطبه می‌فرماید:

«هیچ کس (هرچند مقام و منزلتی بزرگ و سابقه‌ای درخشان در راه حق و خدمت به دین داشته باشد) در مقامی بالاتر از همکاری و کمک به او در ادای وظایفش نمی‌باشد، و هیچ کس هم (هر اندازه مردم او را کوچک بشمارند و چشم‌ها او را خرد ببینند) در مقامی پایین تر از همکاری و کمک رساندن و کمک گرفتن نیست.»

و نیز در همان خطبه می‌فرماید:

«با من آن سان که با جباران و ستمگران سخن می‌گویند سخن نگویند؛ القاب پرتنطنه برایم به کار نبرید؛ آن ملاحظه کاری‌ها و موافقت‌های مصلحتی که در برابر



مستبدان اظهار می‌دارند، در برابر من اظهار مدارید؛ با من به سبک سازشکاری معاشرت نکنید؛ گمان مبرید که اگر به حق سخنی به من گفته شود بر من سنگین آید و یا از کسی بخواهم مرا تجلیل و تعظیم کند، که هرکس شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او ناخوش و سنگین آید، عمل به حق و عدالت بر او سنگین تر است؛ پس از سخن حق یا نظر عادلانه خودداری نکنید.<sup>۲</sup>»

همین اندیشه در کلام رهبری نیز پرتو افکنده است:

«یک خصوصیت دیگر هم مخصوص من و شماست؛ یعنی مایی که به خاطر مسؤولیت هایمان حوزه اقتداری داریم؛ چه کوچک و چه بزرگ. این، مضمون آیه‌ای است که تلاوت کردیم: «تلك الدار الاخره نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض و لا فساداً». دنبال استعلاء و سلطه جویی و برتری جویی بر مردم نباشیم. این کار، سخت است؛ اما ممکن و لازم است. سلطه جویی، آفتی است که قدرتمداران عالم را همیشه تهدید کرده و بسیاری را لغزانده است. ما که قویتر از آنها نیستیم؛ باید مواظب و مراقب باشیم تا نلغزیم. از امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام نقل شده است که فرمود: «نزلت هذه الاية في اهل العدل و التواضع من الولاة و اهل القدرة من الناس»؛ این آیه اصلاً برای قدرتمندان، ولات و مسؤولان است؛ از رؤسای سطح بالا گرفته تا مدیریت‌های میانی و تا هر جا که حوزه قدرتی وجود دارد. آفت کار ما این است که از حوزه اقتدار برای سلطه جویی، زورگویی و افزون طلبی استفاده کنیم؛ این خطر بزرگی است. انتهای آیه می‌فرماید: «والعاقبة للمتقين». بعضی این عاقبت را «آخرت» گفته اند؛ بعضی هم احتمال داده اند دنیا را نیز شامل شود که به نظر ما هم همین طور است. عاقبت، متعلق به متقین است. فرجام نیک دنیوی و اخروی متعلق به کسانی است که اهل تقوا و پرهیزکاری باشند.»<sup>۳</sup>

### عقلانیت و عدالت در پرسشگری و پاسخگویی

دانستیم که اصل حق پرسشگری و اصل تکلیف به پاسخگویی منطبق با مبانی اسلامی و اصول عقلانی است. بدیهی است برای آن که پرسشگری و پاسخگویی به صورت عادلانه و عادلانه صورت گیرد، هم پرسشگر و هم پاسخگو باید حدود حقوق و تکالیف خود را بشناسد. معیار عینی ایفای حقوق و انجام تکالیف، منطبق بودن عملکردها با



منطق و منطوق قانون و یا قرارداد است.<sup>۴</sup> قانون و یا قراردادی که به موجب آن، اهداف، شرح وظایف و حدود اختیارات شخص مسئول (از طرف قانونگذار) یا شخص متعهد (مذکور در قرارداد) مشخص شده باشد چه شخص حقیقی باشد و چه شخص حقوقی. بدین ترتیب برای تحقق پرسشگری که مبتنی بر عقلانیت و عدالت و معنویت باشد باید قانون و آیین عمل شناخته شود و برای تحقق پاسخگویی دقیق و منطبق با واقع، باید مراجع و مجاری و ضابطه نظارت بر عملکرد شخص پاسخگو، مشخص باشد. در چنین شرایطی است که پاسخگویی و پرسشگری بی دروغ و بی دغدغه، جلوه عینی و عملی یابد و هدف از پرسش و پاسخ که ارزیابی و نظارت بر میزان خدمت گذاری و مسئولیت شناسی صاحبان مناصب و سمت‌های دولتی است محقق می‌گردد. پس سیر منطقی موضوع تحقیق اقتضا دارد که ابتدا وظایف و تکالیف مسئولان که در متون قانونی پیش بینی شده است شناخته شود و پس از آن مراجع بازرسی و نظارت و قلمرو نظارتی آنها مشخص شده و در مرحله نهایی مراجع ذی صلاح برای رسیدگی و صدور رأی علیه مسئول متخلف شناخته و مشخص باشد.

## الف - حقوق مردم و تکالیف مسئولان

قانون اساسی بالا دست ترین و اساسی ترین قوانین لازم الاجرا است و مقدم بر تمامی قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران است که براساس اصول و ضوابط اسلامی و انسانی تنظیم و تصویب شده است و مستقیماً منعکس کننده خواست قلبی آحاد مسلمانان این دیار است. بنابراین کاملاً منطقی است که خواست مردم ایران را ابتدا از قانون اساسی استخراج نموده و در حد امکان به شرح آن بپردازیم.

به موجب اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای تحقق امور ذیل به کار گیرد:

ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛ بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛ آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛ تقویت روح



بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛ طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛ محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛ تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی؛ مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛ رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی؛ ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور؛ تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و حفظ نظام اسلامی کشور؛ پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه؛ تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند آن؛ تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون؛ توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم؛ تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام؛ تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از همه مستضعفان جهان.

بدیهی است کلیه وظایف فوق اعم از اهداف اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر آن باید براساس موازین اسلامی باشد و مغایرتی با احکام اسلامی نداشته باشد. انطباق با موازین اسلامی و عدم مغایرت با احکام اسلامی، اصلی است که بر عموم و اطلاق تمامی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است (اصول چهارم و یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی) و نیز به موجب اصل چهل و سوم قانون اساسی برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ضرورتاً باید براساس ضوابط ذیل استوار شود:

تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای تمامی افراد؛ تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا



هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه ریزی عمومی کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد؛ تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی را برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور (مشارکت در حاکمیت) و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛ رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری؛ منع اضرار به غیر و منع انحصار و احتکار و ربا و منع دیگر معاملات باطل و حرام؛ منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات؛ استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور؛ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند؛ عدم تبعیض در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در اختیار داشته باشد.

از برنامه چهارم توسعه سخن نمی‌گوییم که هنوز آغاز زمان لازم‌الاجرا شدن آن است ولی حق داریم بپرسیم که مراجع یادشده در جهت تحقق اهداف کلی برنامه سوم توسعه چه گامی برداشته‌اند و میزان موفقیت آنها در مرحله ساماندهی و اجرای اهداف ذیل در چه پایه‌ای بوده است؟

— تمرکز دادن همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی به سمت و سوی «عدالت اجتماعی» و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات و رفع محرومیت از قشرهای کم درآمد.

— ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات و خیریه‌های مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی.



– تلاش برای مهار تورم و حفظ قدرت خرید گروه‌های متوسط و کم درآمد جامعه و کمک به سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال برای آنان.

– اصلاح نظام مالیاتی در جهت برقراری عدالت در گرفتن مالیات، توجه به ضرورت تولید و سرمایه گذاری‌های تولیدی و ایجاد انگیزه‌های مردمی در پرداختن مالیات و افزایش نسبت مالیات در درآمدهای دولت. اهتمام به توسعه و عمران روستاها و توجه ویژه به معیشت روستانشینان.

– فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال بیشتر با ایجاد انگیزه‌های مناسب و حمایت و تشویق سرمایه گذاری و کارآفرینی و توسعه فعالیت‌های اشتغال زا در جهت کاهش بیکاری، بخصوص در بخش‌های کشاورزی و صنایع تبدیلی و کارگاههای متوسط و کوچک.

– اصلاح مقرراتی که انحصارهایی در فعالیت‌های اقتصادی به وجود آورده یا خواهد آورد با رعایت موارد پیش بینی شده در قانون اساسی و مصالح کشور.

– عدم ترجیح بخش‌های دولتی و عمومی که فعالیت اقتصادی دارند نسبت به بخش‌های خصوصی و تعاونی در برخورداری از امتیازات و دسترسی به اطلاعات.

– رعایت مندرجات بند ۸ از سیاست‌های برنامه دوم در امر واگذاری مؤسسات اقتصادی دولت به بخش‌های تعاونی و خصوصی.

– حفظ امنیت سرمایه گذاری و ارج نهادن به سازندگی و کارآفرینی و حفظ حرمت داراییهای ناشی از راه‌های قانونی و مشروع.

– استفاده مطلوب از موقعیت و مزیت جغرافیایی کشور به ویژه در امر بازرگانی.  
– فراهم ساختن امنیت غذایی و خودکفایی در کالاهای اساسی، بوسیله افزایش تولید داخلی به ویژه در زمینه کشاورزی.

– اصلاح نظام پولی و سامان بخشیدن به بازارهای مالی کشور در جهت حفظ ارزش پول ملی، و تجهیز منابع مالی برای سرمایه گذاری مولد و اشتغال آفرین.

– رعایت دقیق منافع ملی و اصول قانون اساسی و پرهیز از سلطه بیگانگان در جذب منابع خارجی.

– آموزش و بازآموزی نیروی انسانی در سطوح گوناگون، برای پاسخگویی به نیاز بنگاه‌های اقتصادی و فراهم ساختن مهارت‌ها و تخصص‌های لازم در همه سطوح.



— گسترش و عمق بخشیدن روحیه تعاون و مشارکت عمومی و بهره‌مند ساختن دولت از همدلی و توانایی‌های عظیم مردم.

— اهتمام به موضوع «جوانان»، ایجاد زمینه‌های مساعد برای پیشرفت معنوی و علمی و مسؤولیت‌پذیری و تلاش برای رفع دغدغه‌هایی از قبیل ازدواج و آینده شغلی و علمی آنان.

— تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.

— اولویت دادن به ایثارگران انقلاب اسلامی در عرضه منابع مالی و فرصت‌ها و امکانات دولتی در صحنه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی.

— اهتمام به نظم، قانونگرایی، روحیه کار و تلاش، خواتکایی، قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر در سطح جامعه، به ویژه در کارگزاران و مسؤولان نظام و مبارزه با فساد.

— اصلاح نظام اداری در جهت: افزایش تحرک و کارآیی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان، به کارگیری مدیران لایق و امین و تأمین شغلی آنان، حذف یا ادغام مدیریت‌های موازی، تأکید بر تمرکززدایی در حوزه‌های اداری و اجرایی، پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن، و تنظیم قوانین مورد نیاز.

— تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت، و اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی.<sup>۵</sup>

## ب - مراجع اصلی تصمیم‌گیری و تنظیم نحوه اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی

عمده حقوق و مطالبات مردمی را در نظام جمهوری اسلامی ایران شناختیم اینک نوبت به آن رسیده است که مراجع اصلی تصمیم‌گیری و هماهنگ سازی دستگاه‌های مجری برنامه‌های توسعه که مهمترین نقش را در جهت ایجاد امکانات و احیای حقوق و مطالبات مردم ایفا می‌نمایند معرفی نماییم.

برخی از اهم مراجع مذکور عبارتند از: شورای اقتصاد، شورای عالی اداری، شورای عالی اشتغال، هیأت عالی واگذاری، شورای برنامه ریزی و توسعه استان، شورای عالی



کارآموزی (ستاد هماهنگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای)، ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار، سازمان ملی جوانان، مرکز امور مشارکت زنان وابسته به نهاد ریاست جمهوری، شورای اجتماعی کشور، شورای عالی اطلاع‌رسانی و شوراهای اسلامی کشور و شورای تأمین استان. لازم به ذکر است که در این نوشته از شورای عالی انقلاب فرهنگی و شوراهای اقماری آن از قبیل شورای فرهنگ عمومی و شورای فرهنگی - اجتماعی زنان بحثی به میان نیامده است و به تبع آن نیز بحثی از مراجع نظارتی بخش فرهنگ همچون هیئت نظارت، بازرسی و ارزیابی شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت نگرفته است نه به این دلیل که حوزه فرهنگ از اهمیت کمتری نسبت به حوزه اقتصاد و امور اجتماعی برخوردار است که اساساً انقلاب ما انقلاب فرهنگی است بلکه به این دلیل که حوزه فعالیت شورای عالی انقلاب فرهنگی و شوراهای اقماری آن حوزه سیاست‌گذاری است نه امور اجرایی و ثانیاً بازرسی، نظارت و پاسخگویی نسبت به تخلفات اقتصادی و فساد اداری و مسئله اشتغال جوانان و وضعیت اقتصادی - اجتماعی زنان در وضعیت کنونی در درجه اول اهمیت و ضرورت قرار دارد.

مقام معظم رهبری در پیام خود به مناسبت آغاز مجلس هفتم خطاب به نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی فرمودند:

نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می‌شناسید، اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان شدن چرخه خدمت‌رسانی، گسترش اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق، مسؤلیت‌پذیری و پاسخگویی مسؤولان حکومتی، در شمار برجسته‌ترین این نیازها است و این‌ها است که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می‌سازد.<sup>۶</sup>

و پیش از آن در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام فرمودند: «باید رونق اقتصادی، اشتغال، کاهش تورم و خودکفایی در اقلام اساسی کشاورزی موردتوجه کامل قرار گیرد... در عرصه اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد و مردم باید محور توسعه باشند و عدالت اجتماعی و اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت رعایت شود.»<sup>۷</sup>

ایجاد نظم اقتصادی و برقراری امنیت اقتصادی و جلوگیری از اختلال در نظام اقتصادی کشور منوط و مشروط به نظارت بر حسن اجرای قوانین موضوع تخلفات

اقتصادی است و نظارت بر حسن اجرای قوانین اقتصادی نیز مستلزم بازرسی بی وقفه و مستمر نهادهای بازرسی و نظارت و مراجع رسیدگی و صدور حکم علیه متخلفان است. در حقیقت بازرسی مستمر مقدمه ضروری و لاینفک برای تحقق نظم و امنیت و استقلال اقتصادی کشور است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظم اقتصادی، عدالت اقتصادی، اقتصاد سالم و استقلال اقتصادی را در اصول دوم، سوم، نهم، یازدهم، چهل و سوم، یکصد و چهارم، یکصد و بیست و یکم و پنجاه و دوم مورد اهتمام تام قرار داده است. استقرار حکومت اسلامی و تحقق استقلال سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی بدون خودکفایی و استقلال اقتصادی غیرممکن است. وابستگی و اسارت اقتصادی بر تمامی شئون حکومت اسلامی تأثیر می‌گذارد و استقلال کشور اسلامی را از همه جوانب مخدوش می‌سازد. این امر که وابستگی اقتصادی، استقلال کشور را در همه جوانب به مخاطره می‌افکند حقیقتی بدیهی و انکارناپذیر است. همین امر، ضرورت حفظ استقلال اقتصادی و امنیت اقتصادی را دو چندان می‌سازد. امیرمؤمنان علی (ع) به گونه‌ای شیوا و رسا بر همین حقیقت تکیه و تأکید می‌نمایند:

«دست نیاز خود را بسوی دیگران دراز کن تا اسیر او باشی، خودکفا و بی نیاز از دیگران باش تا همچون او باشی، به دیگران احسان و نیکی کن تا بر قلب آنان حکومت کنی.»<sup>۸</sup>

## ۱- ب: شورای اقتصاد

شورای اقتصاد به منظور هدایت و هم آهنگ کردن امور اقتصادی کشور تشکیل شده و وظایف زیر را بر عهده دارد:

- تعیین هدف‌های کلی برنامه‌های عمرانی کشور.
- بررسی خط مشی‌ها و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی جهت طرح در هیئت وزیران.
- اظهار نظر نسبت به برنامه‌های عمرانی جهت طرح در هیأت وزیران.
- تعیین خط مشی تنظیم بودجه کل کشور.
- بررسی بودجه کل کشور برای طرح در هیئت وزیران
- اتخاذ تصمیم درباره مسائل که مسئولان دستگاه‌های اجرایی در زمینه اجرای

طرح‌ها و فعالیت‌ها با آن مواجه و در شورا مطرح می‌نمایند.

- تصویب اصول و سیاست‌ها و ضوابط مربوط به اعطای وام از محل اعتبارات عمرانی به مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و سایر مؤسسات در بخش عمومی و شهرداری‌ها به پیشنهاد وزارت دارایی و سازمان برنامه و بودجه.

- تصویب اصول و سیاست‌ها و ضوابط مربوط به اعطای وام و یا مشارکت دولت در سرمایه‌گذاری مؤسسات خصوصی از طریق بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تخصصی به پیشنهاد وزارت دارایی و سازمان.

- تصویب اصول و سیاست‌ها و ضوابط مربوط به اخذ وام و اعتبارات خارجی که توسط کمیته‌ای مرکب از نمایندگان وزارت دارایی، وزارت اقتصاد و سازمان و بانک مرکزی ایران.

- بررسی و اظهار نظر نسبت به آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط به اجرای این قانون و قوانین برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله که توسط سازمان تهیه می‌شود جهت طرح و تصویب در هیئت وزیران.

وظیفه دبیرخانه شورای اقتصاد را سازمان برنامه و بودجه برعهده دارد.

## وظایف و اختیارات سازمان برنامه و بودجه در زمینه برنامه ریزی، تنظیم بودجه و نظارت به قرار زیر است:

- ۱- انجام مطالعات و بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی به منظور برنامه ریزی و تنظیم بودجه و تهیه گزارش‌های اقتصادی و اجتماعی.
- ۲- تهیه برنامه درازمدت با تبادل نظر با دستگاه‌های اجرایی و تسلیم آن به شورای اقتصاد.
- ۳- تهیه برنامه توسعه پنج‌ساله .
- ۴- پیشنهاد خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مربوط به بودجه کل کشور به شورای اقتصاد.
- ۵- تهیه و تنظیم بودجه کل کشور.
- ۶- نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌ها و پیشرفت سالانه آنها
- ۷- هماهنگ نمودن روش‌ها و برنامه‌های آماری کشور.



۸- ارزشیابی کارآیی و عملکرد در دستگاه‌های اجرایی کشور و گزارش آن به ریاست جمهور.

۹- بررسی گزارش‌ها و مسائلی که باید در شورای اقتصاد مطرح شود.

## ۲- ب: شورای عالی اداری

شورای عالی اداری به منظور تصحیح، بهسازی و اصلاح نظام اداری در ابعاد تشکیلات، سازماندهی و ساختار اداره امور کشور، کاهش تصدی‌های دولت، سیستم‌روش‌ها، مدیریت منابع انسانی، مقررات (آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها) و افزایش بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی، تشکیل و تأسیس گردیده است.

## ۳- ب: سازمان ملی جوانان

با عنایت به اهتمام ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران به حل مسائل جوانان و اعتلا و رشد نسل جوان کشور و استفاده بهینه از استعدادها و توانایی‌های این نسل عزیز، مرکز ملی جوانان به منظور ساماندهی اساسی امور جوانان کشور به صورت ساختار و سازمان کار متناسب با این مأموریت به سازمان ملی جوانان تبدیل شد تا وظایف اساسی ذیل را برعهده گیرد:

سازمان ملی جوانان موظف است برنامه جامع ملی ساماندهی امور جوانان کشور با عنایت به جایگاه نقش و مأموریت‌های اساسی دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی مرتبط با امور جوانان نظیر نیروی مقاومت بسیج و توجه اساسی به نیازهای جوانان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی سیاسی، شغلی، علمی، تفریحی و تحصیلی را تهیه و تدوین نماید؛ شناسایی و پیگیری واگذاری آن دسته از فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی که می‌تواند با پیش‌بینی تمهیدات لازم از طریق سازمانهای غیردولتی جوانان انجام گیرد؛ برای تحقق مواردی که نیاز به تهیه طرح دارد، سازمان ملی جوانان برحسب مورد طرح‌های لازم شامل اهداف، اصلاحات سازمانی، تسهیلات مالی، حمایت‌های اجرایی از تشکلهای غیردولتی را تهیه نماید. به موجب ماده ۴ آیین نامه اجرایی مصوب هیأت وزیران، به منظور ساماندهی اساسی امور جوانان کشور، وظایف اساسی و نحوه همکاری سازمان با دستگاه‌های اجرایی به شرح زیر تعیین می‌شود:



الف- مطالعه و پژوهش در حوزه‌های راهبردی امور جوانان به منظور بازشناسی و تبیین مسایل و نیازهای گوناگونان جوانان و ارائه راهبردهای مناسب برای حل مسایل آنان و هماهنگی مطالعات کاربردی دستگاه‌های اجرایی در این زمینه‌ها.

ب - تهیه و تدوین برنامه جامع ساماندهی امور جوانان کشور با عنایت به جایگاه، نقش و مأموریت‌های اساسی دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی مرتبط با امور جوانان.

پ - دریافت گزارش عملکرد دستگاه‌های اجرایی مرتبط با امور جوانان و بررسی میزان اثربخشی فعالیت‌های این دستگاه‌ها و ارسال به مراجع ذی‌ربط.

ت - مطالعه و بررسی قوانین و مقررات مربوطه به جوانان در جهت رفع کاستی‌ها و پیشنهاد برای تغییر و اصلاح یا وضع قوانین جدید به مراجع ذی صلاح با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.

ث - تهیه و ارائه گزارش وضعیت جوانان کشور در سطح ملی به مراجع ذی ربط. ج - طراحی و مدیریت برنامه‌های ملی ویژه و فرابخشی و نمونه سازی فعالیت مربوط به جوانان با همکاری دستگاه‌های اجرایی مربوط.

چ - ساماندهی فعالیت‌های فراغتی نسل جوان متناسب با مقتضیات دوره جوانی در جهت سازندگی کشور و رفع محرومیت فرهنگی و اجتماعی جوانان در مناطق شهری و روستایی.

ح - ساماندهی و نظارت مراکز خدمات مشاوره‌ای و اطلاع رسانی جوانان.

خ - ارائه شیوه‌های مناسب برای استفاده بهینه از استعدادها و توانایی‌های جوانان و بهره‌گیری بیشتر از امکانات و منابع دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط.

د - همکاری در تعیین ضوابط و استانداردها برای فعالیت‌های مراکز فرهنگی و هنری مربوط به جوانان با دستگاه‌های اجرایی ذی ربط.

ذ - شناسایی، نظارت، حمایت و تقویت تشکل‌های غیردولتی جوانان.

ر - همکاری با مراجع ذی ربط به منظور شناسایی فعالیت‌های قابل واگذاری دستگاه‌های اجرایی به تشکل‌ها و سازمانهای غیردولتی جوانان.

ز - اجرای تصمیماتی که توسط مراجع ذی صلاح اتخاذ می‌شود.





#### ۴-ب: مرکز امور مشارکت زنان

به موجب ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه، مرکز امور مشارکت زنان موظف است به منظور ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده:

برای تعریف نقش و جایگاه زنان در خانواده، جامعه و محیط کار با توجه به اصول و مبانی اسلامی و تحولات آینده اقدام لازم را به عمل آورد؛ با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، حوزه‌های علمیه، مراکز علمی و پژوهشی و سازمانهای غیردولتی برای سازماندهی طرح‌های مطالعاتی درخصوص مسایل و نیازهای زنان تمهیدات لازم را به عمل آورد؛ با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی مربوط و مراکز فرهنگی و دینی نیازهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی خاص زنان را شناسایی نموده و طرح مناسب را جهت رفع این نیازها و بستر سازی آموزشی و فرهنگی برای افزایش مشارکت زنان و اصلاح الگوها و نگرش‌های غلط فرهنگی رایج درخصوص زنان از طریق وزارتخانه‌های علوم تحقیقات و فن آوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان تربیت بدنی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان صدا و سیما و سایر دستگاه‌های اجرایی مربوط تهیه و برای تصویب به مراجع مربوط پیشنهاد نمایند؛ با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی مربوط وضعیت اشتغال زنان را در کشور بررسی و نیازهای اساسی را شناسایی نموده و زمین‌های لازم را جهت افزایش اشتغال و بهبود وضعیت شغلی زنان و ارتقای آن در جامعه از طریق شورای عالی اشتغال و سایر دستگاه‌های اجرایی مربوط به اصلاح قوانین و مقررات و ساختار اداری فراهم نماید؛ با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی مربوط، مسایل و مشکلات حقوقی و قضائی زنان را شناسایی نموده و طرح‌های لازم را جهت تسهیل اصلاح امور حقوقی و قضائی زنان از طریق سازماندهی طرح‌های مشترک با دستگاه‌های مسئول در قوه قضائیه فراهم آورده و برحسب موارد از طریق دستگاه‌های مسئول پیگیری نماید؛ با همکاری و هماهنگی کلیه دستگاه‌های اجرایی تمهیدات لازم را جهت تشکیل و توسعه سازمانهای غیردولتی زنان و واگذاری نقش‌های بیشتر به آنها، با اولویت قائل شدن به فعالیت‌های اقتصادی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی فراهم آورد؛ با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های مربوط وضعیت

فعالیت‌های اقتصادی زنان را بررسی نموده و زمینه‌های لازم را از طریق وزارتخانه‌های کشاورزی، جهادسازندگی، بازرگانی، تعاون، صنایع کار و امور اجتماعی، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و سایر دستگاه‌های اجرایی مربوط جهت افزایش فعالیت‌های زنان با اولویت فعالیت در صنایع کوچک، کارآفرینی، خوداشتغالی و کار در خانه فراهم آورده و حسب مورد برای تصویب به هیأت وزیران منعکس نماید.

در اجرای این برنامه، زنان بی سرپرست و خودسرپرست، مناطق توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته و گروه‌های محروم جامعه از اولویت برخوردار هستند.

## ۵-ب- شورای عالی اطلاع‌رسانی

شورای عالی اطلاع‌رسانی به منظور سیاستگذاری در امر اطلاع‌رسانی و هدایت شبکه‌ها و مراکز اطلاعاتی و هماهنگی فعالیت آنها و تدوین برنامه‌های میان مدت و بلندمدت در زمینه تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی اطلاع‌رسانی در قالب نظام اطلاع‌رسانی جمهوری اسلامی ایران، تشکیل شده است.

سیاستگذاری در امر اطلاع‌رسانی در چارچوب سیاست‌های کلی نظام در امر اطلاع‌رسانی و با توجه کامل به مصالح دینی، علمی، فرهنگی و اخلاقی نظام انجام خواهد یافت.

- وظایف شورای عالی اطلاع‌رسانی: *رسانای و مطالعات فرهنگی*

سیاستگذاری، برنامه ریزی، هدایت و حمایت در زمینه تولید، پالایش مبادله اطلاعات و نظارت بر امر اطلاع‌رسانی سراسر کشور در چارچوب سیاست‌های نظام؛ تدوین و تصویب اصول نظام جامع اطلاع‌رسانی کشور؛ ایجاد شرایط لازم برای تسهیل و تسریع تولید، ذخیره سازی، ساماندهی، توزیع، گسترش و بکارگیری اطلاعات در بخش‌های مختلف فرهنگی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فنی، آموزشی، پژوهشی و... در چارچوب ضوابط مصوب؛ هماهنگ کردن فعالیت‌های بخش دولتی و غیردولتی براساس نظام جامع اطلاع‌رسانی کشور؛ تدوین و تصویب مفاهیم، تعاریف، مقررات، آیین‌نامه‌ها، قواعد و معیارهای اطلاع‌رسانی موردنیاز نظام جامع اطلاع‌رسانی کشور؛ تنظیم مقررات مربوط به چگونگی بهره‌گیری از شبکه‌های بین‌المللی اطلاع‌رسانی و

تصویب آن یا پیشنهاد تصویب به مراجع مربوط؛ ایجاد هماهنگی در تحقیقات بنیادی و توسعه ای و نیز سیاست‌های بهره‌گیری از فن آوری‌های نوین اطلاعاتی؛ بررسی وضعیت موجود و آینده‌نگری با استفاده از روش‌های علمی و پژوهشی؛ ایجاد زمینه‌های لازم برای اعتلای دانش و فرهنگ عمومی جامعه در زمینه اطلاع‌رسانی؛ ارزیابی فعالیت‌های بخش اصلی اطلاع‌رسانی به منظور حصول اطمینان از صحت انطباق فعالیت‌ها با نظام جامع اطلاع‌رسانی؛ داورى نهایی درباره فعالیت‌های اصلی مراکز اطلاع‌رسانی جهت رفع اختلاف‌های احتمالی میان مراکز در موارد غیرقضائی. (آیین‌نامه شورای عالی اطلاع‌رسانی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی).

#### ۶- ب: شوراهای اسلامی کشور

کلیات اهداف و وظایف شوراها در قانون اساسی ذکر گردیده با این وجود، ماده ۱۹ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کشور مصوب ۶۱/۹/۱ و وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی را به شرح ذیل مورد تصریح قرار داده است:

بررسی و شناخت کمبودها و نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی و عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی حوزه انتخابیه و ارائه راه‌حل‌ها به مقامات مسؤول؛ تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی در امور اجتماعی و ارائه آن به شورای مافوق جهت اطلاع و برنامه‌ریزی و به مقامات مسؤول اجرایی جهت اقدامات ممکن؛ نظارت دقیق بر اداره امور حوزه انتخابیه و حسن اجرای تصمیمات شورا و قوانین کشوری و طرح‌های مصوب؛ ارائه پیشنهادهای لازم برای فعال‌سازی سازمانهای دولتی و ارگان‌های انقلابی به شورای مافوق؛ پیگیری شکایات مردم در مورد نارسایی سازمانها و ادارات حوزه مربوطه از طریق مقامات مسؤول؛ برنامه‌ریزی و اقدام در جهت مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت و هماهنگی مراجع ذیربط؛ ایجاد روحیه همکاری مردم با مسؤولان کشوری در جهت تداوم انقلاب اسلامی؛ بررسی برنامه‌پیشنهادی ارگانهای اجرایی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از نظر تطبیق با ضرورت‌های موجود



در حوزه انتخابیه شورا و جلوگیری از تبعیض در این زمینه بین مناطق مختلف و گزارش نارسایی‌ها به شورای بالاتر و مراجع اجرایی ذیربط. نظارت بر اجرای هماهنگ و کامل برنامه‌های مصوب در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی. شوراها می‌توانند بنابه درخواست مسؤولان، بخشی از اعمال اجرایی از قبیل پخش مواد سوختنی و ارزاق عمومی، آمارگیری و تحقیقات محلی، را برعهده بگیرند؛ همکاری با ارگان‌های مملکتی؛ دادن گزارشات لازم و ارائه انتقادات و اشکالات مربوط به حوزه فعالیت خود به نماینده یا نمایندگان آن حوزه در مجلس شورای اسلامی؛ شوراها می‌توانند با هماهنگی ارگانهای اجرایی مسؤول به تشکیل انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی، امدادی، ارشاد و تأسیس تعاونی‌های تولید، توزیع، مصرف با مشارکت مردم در حوزه فعالیت خود اقدام نمایند. شوراها موظفند گزارش اقدامات سالانه خود را در آخرین جلسه هر سال مطرح و پس از تأیید برای اطلاع عموم منتشر نمایند. نصب و عزل شهردار.

همانگونه که ملاحظه می‌فرمایید وظایف مذکور در بندهای یکم، دوم، چهارم، ششم، هفتم، هشتم، دهم، چهاردهم و شانزدهم وظایفی هستند که شورا در مقام پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری با مردم انجام می‌دهد. بندهای سوم، پنجم، هشتم، نهم، پانزدهم مبین وظایف بازرسی و نظارت شوراها است. بندهای دوازدهم، سیزدهم، پانزدهم و هفدهم به نوبه خود تحت نظارت قرارگرفتن شورا به وسیله شوراهای مافوق و مجلس شورای اسلامی را مطرح می‌نماید به موجب بند هجدهم قانون مذکور و نیز به موجب بندهای هشتم تا دهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، شانزدهم، هفدهم، بیست و پنجم، بیست و ششم، بیست و هفتم ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظائف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور مصوب یکم خرداد سال ۱۳۷۵، شوراهای اسلامی کشور نسبت به نظارت، بازرسی و صدور حکم علیه شهردار و نقض تصمیمات و اقدامات شهرداری واجد صلاحیت‌اند.

## ۷- ب: شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین استان

اگرچه شورای امنیت کشور به مسؤولیت وزیر کشور صرفاً به منظور مشورت در امور امنیتی تشکیل می‌شود (تبصره ۲ ماده ۳ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات



شورای امنیت کشور مصوب ۸ شهریور ماه سال ۱۳۶۲) لکن همانگونه که مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شوراهای تأمین استان تصریح فرمودند، مسائل اجتماعی و اقتصادی از قبیل فقر، بیکاری و مفسد اقتصادی و سوء جریان امور اداری از اموری نیست که بی ارتباط با امنیت کشور باشد. اوضاع نابسامان اقتصادی و عدم حسن جریان امور اداری به ارتکاب قاچاق، سرقت و مفسد و مسائل اجتماعی منجر می‌شود بنابراین برای حفظ امنیت کشور نمی‌توان نسبت به مسائل و مفسد اقتصادی بی اعتنا بود. به عبارت دیگر هرگونه سوء جریان مسائل اقتصادی، اداری و اجتماعی منجر به تهدید و اختلال امنیت کشور می‌شود بنابراین فعالیت شورای امنیت کشور و شورای تأمین استان که مسؤول ایجاد هماهنگی با شورای امنیت کشور در سطح استان می‌باشد شامل امور اقتصادی نیز می‌شود. البته صرفاً در اموری که مربوط به تعامل حوزه اقتصاد و امنیت می‌شود.

### ج: نظارت بر حسن اجرای قوانین

#### پیش درآمد:

نظارت بر حسن اجرای قوانین غیر از کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمان و متخلفان است. دقیق‌تر بگوییم نظارت بر حسن اجرای قوانین اقدامی است اعم و اهم از صرف کشف و تعقیب مجرمان و متخلفان. کشف، تعقیب و پیگیری از مجرمان و متخلفان، مسؤولیت اصلی و تمام مسؤولیت سازمانهای ناظر بر حسن اجرای قوانین نیست بلکه جزئی از مسؤولیت آنان است. مشغله اصلی و مسؤولیت اساسی سازمانها و تشکیلاتی که بر حسن اجرای قوانین نظارت می‌نمایند، بازرسی و نظارت مستمر بر بخش مختلف کشور است تا از اجرای صحیح قوانین در تمامی بخش‌های کشور اطمینان حاصل شود. این احساس که در جامعه بازرسانی هستند که فعالیت‌های کشور را در تمامی بخش تحت نظام نظارتی دقیق قرار می‌دهند به طور طبیعی از تعداد جرایم و تخلفات می‌کاهد. وجود ناظران و بازرسان از موانع قوی و از عوامل بازدارنده مؤثر نسبت به ارتکاب تخلف محسوب می‌شود. اقدام به بازرسی پس از اعلام شکایات، از وظائف فرعی و ثانوی تشکیلاتی است که ناظر بر حسن اجرای قوانین هستند. هدف اصلی از تشکیل سازمانهای یادشده پیشگیری از وقوع جرایم و تخلفات است. به بیان



دیگر موضع سازمانهای یاد شده موضع انفعالی نیست که فقط پس از وصول شکایات و پس از اطلاع از وقوع تخلف، اقدام به پیگیری و تعقیب جرایم و تخلفات نمایند بلکه موضع آنها موضعی فعال بوده و عمدتاً درصدد علاج واقعه پیش از وقوع هستند. آنچه ضرورت بازرسی مستمر و لزوم نظارت بر حسن اجرای قوانین را اجتناب ناپذیر نماید این است که اعمال مجازات بر مجرمان هرگز کار پیشگیری از وقوع جرم را انجام نمی‌دهد و اقدام به مجازات مجرمان و متخلفان هرگز آثار منفی و مخرب وقوع تخلف را به طور کلی از میان نمی‌برد بلکه در پاره‌ای از موارد با وجود اعمال مجازات بر مجرمان، اثرات منفی و خسارات جبران ناپذیر تخلفات همچنان باقی می‌ماند و پیکره اجتماع را بیمار و معیوب ساخته و آن جامعه را آسیب پذیر می‌سازد. سازمانهایی که به منظور نظارت بر حسن اجرای قوانین تشکیل شده اند تنها به دنبال ایجاد مانع بر سر راه متخلفان از قانون نیستند بلکه علاوه بر آن و مقدم بر آن، در مقام از میان بردن زمینه‌های مساعد برای ارتکاب تخلفات و جرایم هستند. یعنی تلاش می‌کنند که ریشه‌های ارتکاب تخلف را بخشکانند.

امیرمؤمنان علی(ع) اشخاصی صادق و امین و کاردان را برمی‌گزید که بر کار کارگزاران حکومتی نظارت و بازرسی کنند. آن حضرت با اقدام به نصب بازرسان و بانظارت بر عملکرد مأموران حکومت هم از اجرای صحیح قانون الهی در جامعه اطمینان حاصل می‌نمود و هم موجب می‌شد که مأموران حکومت، خود با احتیاط و دقت و مراقبت بیشتری اقدام نمایند و بدین ترتیب تا سرحد امکان از وقوع تخلف پیشگیری می‌نمود و باب ارتکاب تخلف را سد می‌نمود و در جریان بازرسی و نظارت اگر تخلفی هم کشف می‌شد، متخلف مجازات می‌گردید.

امیرالمؤمنین علی(ع) در نامه به مالک اشتر فرمود:

«مراقب رفتار کارگزاران باش و در پنهانی بازرسانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار. بدرستی که مراقبت نهانی تو نسبت به کارهای ایشان، آنها را وادار می‌کند که امانت را رعایت نمایند و با توده مردم مدارا و مهربانی نمایند.»

نصب بازرسی بر کارگزاران در حالی بود که آن حضرت شرایطی را برای کارگزاران حکومت معین ساخته و مقرر نموده بود که برای واگذاری مسئولیت‌ها، ابتدا گزینش‌های خاصی صورت گیرد تا اهلیت و صلاحیت آنها احراز گردد. از جمله شرایط



لازم برای مسؤلان حکومت این بود که با حیا بوده و از خانواده‌های اصیل، صالح، صاحب قدمت در اسلام و ثابت قدم در ایمان باشند:

«... سپس در کار کارگزاران خود نظر کن و پس از آزمون و امتحان، آنها را به کار بگمارد و عاملانی این چنین را در میان کسانی جستجو کن که مجرب و با حیا و از خاندان‌های پارسا و صاحب سابقه نیکو در اسلام هستند. اخلاق آنها کریمانه‌تر است و ایشان آبرومندترند و طمعشان کمتر و عاقبت نگری آنها بیشتر است...»

وقتی امیرالمؤمنین با وجود چنین شرایطی، بر کارگزاران حکومت اسلامی بازرسی قرار می‌دهد، باید پذیرفت که نصب بازرس بر صاحبان مشاغل آزاد در سطح جامعه که مورد گزینش چندانی قرار نمی‌گیرند، از ضرورت و اهمیت بیشتری برخوردار است. در میان مأموران و مسؤلان دولتی، کم نیستند افرادی که متدین و متعهد به نظام مقدس جمهوری اسلامی اند و احياناً ممکن است برخی از آنان نسبت به بازرسی و نظارت اظهار نارضایتی و ناخشنودی نمایند. لکن نارضایتی آنان منطقی به نظر نمی‌رسد، زیرا این قبیل افراد شریف نباید حال تمامی مأموران و مسؤلان را با حال خود قیاس کنند. در این میان کسانی هم هستند که نسبت به رعایت ضوابط قانونی علاقه‌ای نشان نمی‌دهند و اگر بدانند که بازرسی و نظارت در جامعه وجود ندارد قوانین را نقض می‌کنند و مرتکب تخلف می‌شوند. برای شناسایی این قبیل از افراد چاره‌ای نیست جز اینکه تمامی اشخاص که به نحوی دخیل در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی هستند، مورد بازرسی مستمر قرار گیرند و اقدام به بازرسی در سطح گسترده‌ای وجود داشته باشد. آنچه نظارت و بازرسی مستمر و گسترده را ضرورت بیشتری می‌بخشد این حقیقت است که جامعه یک کل تجزیه‌ناپذیر است. از این رو در فرضی که استقلال، امنیت، تمامیت ارضی و وحدت در سطح کلی برای جامعه وجود نداشته باشد به طور مسلم همین امور برای هیچ یک از آحاد ملت به وجود نخواهد آمد. بر فرض بپذیریم که آزادی، استقلال و امنیت برای بعضی از افراد جامعه بدون در نظر گرفتن کل افراد جامعه قابل تحقق باشد، آیا در مواردی که حقوق و آزادی‌های فرد یا یک گروه خاص با حقوق و آزادی‌های عموم مردم در تعارض باشد، ترجیح با کدام طرف خواهد بود؟ آیا می‌توان پذیرفت که حقوق عمومی فدای حفظ منافع شخصی فرد یا افرادی خاص شود؟ عقل سلیم حکم می‌کند که هنگام تزاخم منافع فرد با مصالح جامعه ترجیح و تقدم با



مصالح عمومی و حقوق ملی است. امیرالمؤمنین علی(ع) با بیانی حکیمانه همین حقیقت را مورد تکیه و تأکید قرار می‌دهند:

(ای مالک) میانه روی در اجرای حق و گسترش روزافزون عدالت و عمل به آنچه موجب رضایت توده مردم است باید نزد تو محبوب تر از هر عملی باشد. آنجا که منافع شخصی عده‌ای خاص و محدود از افراد جامعه، با مصالح عموم مردم منافات دارد بایستی رضایت توده مردم را در نظر گرفت هرگاه جلب رضایت تعداد اندک از افراد جامعه موجب خشم و ناخرسندی عموم مردم گردید ترجیح و تقدم با جلب رضایت توده مردم است.

بی‌جهت نیست که قانون اساسی ایران، به طور مکرر پیش از هر چیز و بیش از هر چیز بر مصالح عامه و حقوق ملی و مالکیت عمومی و سیاست‌های کلی نظام تأکید و تصریح می‌نماید. تأکید و تکیه فراوان قانون اساسی بر حقوق ملی (اصول ۲۴ و ۶۱)، حقوق ملت (اصل ۶۷)، حقوق عامه (اصل ۱۵۶)، حقوق اجتماعی (اصل ۱۵۶)، نظم عمومی (اصل ۱۶۵)، منافع عمومی (اصل ۴۰)، منافع ملی (اصل ۱۵۶)، منافع ملی (اصل ۱۷۶)، مالکیت عمومی (اصل ۴۴)، ثروت‌های عمومی (اصل ۴۵)، زیان جامعه (اصل ۴۴)، مصالح عمومی (اصل ۲۸)، مصالح عامه (اصل ۴۵)، مصالح کشور (اصول: ۶۷، ۷۸، ۱۱۰، ۱۷۵)، مصلحت جامعه (اصل ۱۶۴)، مصلحت نظام (اصول: ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۷۷)، معضلات نظام (اصل ۱۱۰)، سیاست‌های کلی نظام (اصل ۱۱۰) همه و همه مسلم می‌سازد که در نظام حقوقی ایران همچون تمامی نظام‌های حقوقی جهان، مصالح عامه حاکم بر منافع فرد است. نظر به همین جهات است که قانون اساسی، آزادی را تنها در صورتی که توأم با مسؤریت باشد مورد حمایت قرار می‌دهد (بند ۶ از اصل سوم) و احیا حقوق عامه و گسترش عدل را مقدم بر آزادی آن هم آزادی از نوع آزادی مشروع ذکر می‌کند. مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، «منظور از آزادی‌های مشروع آن بخش از آزادی‌هایی است که منافاتی با گسترش عدل نداشته و ناقض حقوق عامه نباشد». در قانون اساسی، هر جا سخن از آزادی است چه آزادی احزاب چه آزادی بیان، چه آزادی انتخاب شغل، چه آزادی فعالیت‌های اقتصادی همه و همه مشروط به حفظ اصول استقلال، وحدت ملی، موازین اسلامی، اساس جمهوری اسلامی و مصالح کشور است (اصول: ۲۶، ۲۸، ۴۳، ۵۰ و ۱۷۵ قانون اساسی) از حقوق مسلم هر انسانی، حق مالکیت است و هرکس مالک





حاصل کسب و کار مشروع خویش است و این حق مصون از تعرض است. با این وجود قانون اساسی به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهد به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند (اصول ۲۲ و ۴۶ قانون اساسی) مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی، هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. این اصل از قانون اساسی، سوء استفاده از حق را در سطحی بسیار گسترده مطرح نموده و ممنوع ساخته است. از جمله حقوق متصور برای اشخاص، حقوق ناشی از مالکیت است و از فروع قابل استخراج از این اصل فراگیر، یکی این است که هیچ مالکی نمی‌تواند با استناد به اینکه در مقام اعمال حقوق ناشی از مالکیت خود می‌باشد و به بهانه آزادی اقتصادی و به بهانه آزادی کسب و کار، موجب ضرر و زیان جامعه شود و به منافع عمومی تجاوز نماید. مطابق بند ۵ اصل ۴۳ قانون اساسی، از جمله ضوابطی که اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر پایه آن استوار می‌شود، منع اضرار به غیر و منع انحصار و احتکار است. همچنین مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی، قانونگذار ایران، مالکیت در سه بخش دولتی، بخش تعاون و بخش خصوصی را تا جایی مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی قرار داده که مایه زیان جامعه نشود و در همین راستا در جهت تحقق اهداف مذکور در اصول ۴، ۳۳ و ۴۴ قانون اساسی، قانونگذار در بند ۶ از ماده ۱ قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳/۶/۱۳۷۰، پیشگیری از انحصار احتکار، تورم و اضرار به غیر را یکی از اهداف بخش تعاونی اعلام نموده است. در قانون اساسی ایران، چنین نیست که مالکان نسبت به اموال خود متصرف مایشاء باشند و بتوانند هرگونه دخل و تصرفی را در اموال خود به عمل آورند. حق تصرفی که از ناحیه شرع مقدس و قانون اساسی به سود صاحبان اموال ایجاد شده است، آزادی مطلق و حق نامحدود نیست بلکه حق نسبی و آزادی مشروط است. حق نسبی و آزادی مشروط در مالکیت خصوصی به این معنا است که در حق تصرف مالک و در آزادی تصرفات اقتصادی او باید مالکیت عمومی و ثروت‌های عمومی جامعه نیز مورد ملاحظه قرار گیرد، بطوریکه آزادی تصرف موجب زیان جامعه نشود (اصل ۴۴ قانون اساسی). در مالکیت خصوصی، هم مسؤولیت مالکان نسبت به حفظ حقوق و آزادی‌های دیگران و هم ممنوعیت آنها از تصرفات زیان‌بار به جامعه، ناشی از نسبییت و محدودیتی است که در متن و بطن آزادی اقتصادی نهفته



است.<sup>۹</sup> اگر قرار باشد که اشخاص به نام آزادی فعالیت‌های اقتصادی، به طور مطلق العنان در اموال خود تصرف کنند و هیچ حدی و حریمی برای آزادی تصرفات خود قائل نباشند، این آزادی اقتصادی منجر به انحصار اقتصادی خواهد شد و انحصار اقتصادی در حقیقت چیزی جز سلب آزادی اقتصادی منجر به انحصار اقتصادی خواهد شد و انحصار اقتصادی در حقیقت چیزی جز سلب آزادی اقتصادی از جامعه نیست. همانگونه که استبداد سیاسی و اجتماعی معادل با سلب آزادی سیاسی و اجتماعی از جامعه است، انحصار اقتصادی نیز معادل سلب آزادی اقتصادی از جامعه است به همین دلیل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر جا استبداد و خودکامگی مورد نفی قرار گرفته بلافاصله همانجا انحصار اقتصادی و انحصارطلبی نیز نفی شده است (مقدمه قانون اساسی ذیل عنوان شیوه حکومت در اسلام و بند ششم و هشتم از اصل سوم قانون اساسی). تمرکز ثروت،<sup>۱۰</sup> تکاثر<sup>۱۱</sup> و تداول ثروت<sup>۱۲</sup> در دست افراد و گروه‌های خاص، عبارت دیگری از انحصار اقتصادی است که در قانون اساسی ایران نفی و منع شده است (مقدمه قانون اساسی ذیل عنوان اقتصاد وسیله است نه هدف و بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی).

نظر به جهات یاد شده کاملاً بدیهی و آشکار می‌گردد که بازرسی و نظارت بر حسن اجرای قوانین نه تنها مخالف با حقوق و آزادی‌های فردی نیست بلکه حافظ حریم حقوق و آزادی‌های معقول و مشروع فرد در اجتماع است. در ضرورت وجود بازرسی و نظارت، هیچ تفاوتی میان بخش غیردولتی و بخش دولتی وجود ندارد. وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی و تحت پوشش دولت و نهادهای انقلاب اسلامی و ملی شده، همه و همه باید تحت نظارت و بازرسی باشند. چه بسا بازرسی بر مسئولان مراکز یاد شده باید با جدیت و دقت بیشتری انجام شود چرا که مسئولان مراکز یاد شده به تناسب سمت و بسته به مسؤلیتی که دارند از آزادی عمل و اختیارات و امکانات بیشتری برخوردارند. در چنین شرایطی اگر مسئول دولتی با سوء استفاده از مقام و منصبی که دارد مرتکب تخلف اقتصادی شود، ضرر و ضربه بیشتری به بیت‌المال و مالکیت عمومی وارد خواهد شد و امنیت اقتصادی کشور را بیشتر مورد تهدید قرار خواهد داد. نظر به حساسیت بیشتر تخلفات بخش دولتی است که امیرالمؤمنین علی(ع) نظارت و بازرسی بر عملکرد کارگزاران حکومتی را مستقلاً مورد تأکید و تصریح قرار می‌دهد.



مجمع محترم تشخیص مصلحت نیز در ماده ۱۸ قانون تعزیرات حکومتی ذیل فصل دوم، تخلفات اقتصادی بخش دولتی را پیش‌بینی و مجازات آن را مقرر نموده است. به موجب اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد با نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند.»

### مراجع و سازمانهای نظارتی در حکومت جمهوری اسلامی ایران

ایجاد نظم و انضباط اداری و حذف دستگاههای موازی و اعمال نظارت دقیق و متمرکز و بهینه‌سازی نظام تصمیم‌گیری و سیاستگذاری با هدف کارآیی لازم و عدم تداخل در وظایف و فعالیت‌های موازی از جمله اهداف کلان کیفی و خط‌مشی‌های اساسی قانون برنامه‌های توسعه اقتصادی است.<sup>۱۳</sup> بنابراین به‌جا است که با مراجع نظارتی جمهوری اسلامی ایران آشنا شویم.

می‌دانیم که قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند: از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولی‌فقیه اعمال می‌گردند. حل اختلافات و تنظیم رابط و ایجاد هماهنگی میان قوای سه‌گانه از وظایف و اختیارات رهبری است.<sup>۱۴</sup> از این رو ترتیب منطقی مباحث اقتضا می‌کند که ابتدا از نظارت رهبری آغاز نماییم و پس از آن با مراجع نظارتی قوای سه‌گانه آشنا شویم.

#### ۱- نظارت رهبری

از وظایف و اختیارات رهبری، نظارت بر حُسن اجرای سیاست‌های کلی نظام است.<sup>۱۵</sup> رهبر می‌تواند حق نظارت خود را از طریق سازمان بازرسی کل کشور اعمال نماید. سازمان بازرسی کل کشور موظف است حسب‌الامر مقام معظم رهبری نسبت به بازرسی‌های فوق‌العاده اقدام نماید.<sup>۱۶</sup>

واحد ارتباط مردمی دفتر مقام معظم رهبری نیز به همین هدف تأسیس شده است؛ همچنین کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی موظف است همه ساله گزارشی از طرز کار نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی را جهت استحضار محضر مقام معظم



رهبری تقدیم نماید. بدین ترتیب رهبر انقلاب نظارت و بازرسی خود بر نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی اعمال می‌نماید.<sup>۱۷</sup> همچنین مدیریت بازرسی و رسیدگی به شکایات دفتر مقام معظم رهبری، صلاحیت گسترده و عامی نسبت به امر نظارت و بازرسی دارد. همچنین به موجب ماده ۱۵۸ قانون برنامه چهارم، چشم انداز بیست ساله کشور و سیاستهای کلی نظام، اعمال می‌نماید. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است شاخصهای مربوط به میزان پیشرفت را متناسب با شاخصهای بین‌المللی، تنظیم و مقایسه نموده و در تیرماه هر سال نتایج حاصل از اندازه‌گیری شاخصهای مذکور را به همراه نقاط قوت و ضعف و پیشنهادهای مؤثر برای بهبود وضعیت کشور به مقام معظم رهبری تقدیم نماید.

## ۲- نظارت قوه مقننه

رهبر انقلاب به مناسبت آغاز کار مجلس هفتم در پیامی به نمایندگان مجلس فرمودند: «ارتباط منطقی با قوای دیگر بر پایه همکاری و همدلی، وظیفه مهم دیگر مجلس است. کمال این وظیفه آنگاه تحقق می‌یابد که با اعمال نظارت قانونی و نهادینه ساختن پاسخگویی در دیگر قوا که وظیفه دیگر مجلس است همراه گردد. تعامل و تفاهم با شورای محترم نگهبان که خود بخشی از قوه مقننه است، البته در اولویت قرار دارد. ارتباط با صاحب‌نظران محیط‌های علمی و عملی و بهره‌گیری از تجربه‌ها و اندیشه‌های ارزشمند آنان نیز به غنای مجلس که بحمدالله خود دارای ترکیبی عملی و کارشناسی و تخصصی است، خواهد افزود.»

قوه مقننه حق نظارت خود را از طریق کمیسیون‌های ذیل اعمال می‌نماید:

### ۱- ۲- کمیسیون تحقیق: به موجب اصل هفتاد و ششم قانون اساسی مجلس

شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

### ۲- ۲- کمیسیون سؤالات: نظر به اینکه رئیس‌جمهور و هر یک از وزرا در حدود

قوانین در برابر مجلس شورای اسلامی مسئولیت دارند،<sup>۱۸</sup> در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس‌جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس‌جمهور یا وزیر، موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤالات جواب دهد.<sup>۱۹</sup>

### ۳- ۲- کمیسیون اصل نود: هر کسی شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه



قضائیه داشته باشد می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند، مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است می‌تواند مستقیماً مکاتبه یا به آنها مراجعه نماید و برای رسیدگی به شکایات کتبی که از طرف مسئولین مربوطه بدون جواب مانده و یا جواب قانع‌کننده بدان‌ها داده نشده و رفع مشکلات توضیح بخواهد، مسئولین و مأمورین مورد شکایت موظفند پاسخ کافی و مستند خود را حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول، کتباً به کمیسیون اصل نود اعلام دارند. تخلف از این امر جرم محسوب و متخلف به مجازات حبس از سه ماه تا یکسال و انفصال از خدمات دولتی از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد و موضوع تخلف در مراجع صالحه قضائی با درخواست کمیسیون اصل نود قابل رسیدگی است.<sup>۲۰</sup>

کمیسیون‌های اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی می‌توانند بازرسی‌ها و تحقیقات مورد نیاز را به وسیله سازمان بازرسی کل کشور انجام دهند.<sup>۲۱</sup> کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی موظف است در محدوده وظایف خود ضمن رسیدگی به شکایات مربوطه و نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی، همه سאלه گزارشی از طرز کار نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی را جهت استحضار محضر مقام معظم رهبری و مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.<sup>۲۲</sup>

**۴-۲ دیوان محاسبات کشور:** دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی است. نظارت مجلس شورای اسلامی بر اجرای بودجه تا مرحله نهایی تفریح بودجه، عمدتاً بوسیله دیوان محاسبات کشور انجام می‌شود. دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌های که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند رسیدگی و نظارت می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد.<sup>۲۳</sup> دیوان محاسبات کشور برای انجام وظایف خود می‌تواند در تمامی امور مالی کشور تحقیق و تفحص نماید و در تمامی موارد مستقیماً مکاتبه برقرار نماید و تمام مقامات جمهوری اسلامی ایران و قوای سه گانه و سازمانها و ادارات تابعه و کلیه اشخاص و سازمانهایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند مکلف به پاسخگویی مستقیم می‌باشند حتی در مواردی که از قانون محاسبات کشور

۵- ۲ نظارت مجلس شورای اسلامی بر حسن اجرای قانون برنامه‌های توسعه: به موجب ماده ۱۹۸ قانون برنامه سوم توسعه و نیز به موجب ماده ۱۵۷ قانون برنامه چهارم توسعه به منظور حسن اجرای قانون برنامه توسعه، رئیس‌جمهور گزارش نظارت و ارزیابی پیشرفت هر سال برنامه را حداکثر تا شهریور ماه سال بعد، (در برنامه چهارم حداکثر تا پایان آذرماه سال بعد) به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌نماید.

### ۳- نظارت قوه قضائیه

مطابق بند سوم اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، از جمله وظایف قوه قضائیه نظارت بر حسن اجرای قوانین است. نظارت قوه قضائیه بر حسن اجرای قوانین به دو صورت ذیل تحقق می‌یابد:

۱- نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم عمومی و انقلاب و در دادگاههای اداری.

۲- نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری.

قوه قضائیه نظارت نوع اول را از طریق دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری اعمال می‌نماید.<sup>۲۵</sup> سازمان بازرسی کل کشور علاوه بر اینکه به وظایف نظارتی خود در قبال قوه قضائیه عمل می‌کند حسب الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رئیس قوه قضائیه و یا درخواست رئیس‌جمهور و یا کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا در صورتی که گزارش بازرسی حاکی از سوء جریان مالی یا اداری باشد سازمان وظیفه دارد علاوه بر اعلام موارد تخلفات و نارسایی‌ها و سوء جریان‌های اداری به مقام ذیصلاح ارجاع کننده، یک نسخه از آن را با دلایل و مدارک برای تعقیب و مجازات مرتکب مستقیماً به مرجع قضائی صالح و مراجع اداری و انضباطی منعکس و تا حصول نتیجه نهایی پیگیری نماید. در تمام موارد فوق الذکر رئیس سازمان تصویر گزارش بازرسی را جهت استحضار و پیگیری برای رئیس قوه قضائیه ارسال خواهد نمود. سازمان حسابرسی دولتی، مسئولین حراست و نظارت و بازرسی چنانچه از سوء جریانی در رسیدگی به عملکرد مالی و اداری دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت مطلع شوند که مربوط به وظایف سازمان بازرسی



کل کشور است، باید مراتب را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند.<sup>۲۶</sup>

– نظارت قوه قضائیه بر مصوبات قوه مجریه:

ضمانت اجرایی نظارت قوه قضائیه بر مصوبات قوه مجریه به نوبه خود به چند صورت تحقق می‌یابد:

۱- مطابق اصل یکصد و هفتادم، «قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند».

۲- مطابق اصل یکصد و هفتاد و سوم، «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین دولتی یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد». همچنین مطابق بند ۱- پ از ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، «رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت خلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود» در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. برابر ذیل اصل یکصد و هفتاد قانون اساسی، هرکس می‌تواند ابطال تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی را که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است از دیوان عدالت اداری تقاضا کند در همین راستا دیوان عدالت اداری موظف است شکایت مبنی بر مخالفت تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی با مقررات اسلامی را به شورای نگهبان ارجاع نماید. چنانچه شورای نگهبان طبق اصل ۴ قانون اساسی، خلاف شرع بودن را تشخیص دهد، دیوان حکم ابطال آن را صادر می‌نماید. اگر شکایت به دلیل مخالفت تصویب‌نامه یا آیین‌نامه با قوانین و یا به دلیل خروج از حدود اختیارات قوه مجریه باشد، شکایت واصله در هیأت عمومی دیوان مطرح می‌شود و چنانچه اکثریت اعضای هیئت عمومی شکایت را وارد تشخیص دهند حکم ابطال آن را صادر می‌نمایند. (ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری) واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسات



و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و تشکیلات و مؤسسات وابسته به آنها و نهادهای انقلابی مکلفند احکام دیوان را در آن قسمت که مربوط به واحدهای مذکور است بلافاصله پس از ابلاغ دادنامه به مورد اجراء گذارند. در صورت استنکاف، مرتکب به حکم شعبه دیوان، به انفصال از خدمت دولتی و قانونی محکوم می‌شود. (ماده ۲۱ قانون دیوان عدالت اداری و ماده ۴۴ آیین نامه دادرسی دیوان عدالت اداری)

۳- سازمان بازرسی کل کشور موظف است نقایص ناشی از تناقص یا نارسایی قوانین یا وجود مقررات زائد و مزاحم اقدامات و طرح‌هایی را که مفید و لازم تشخیص دهد به وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذیربط پیشنهاد نماید (ماده ۲۹ آیین نامه بازرسی کل کشور) به علاوه مطابق تبصره اصلاحی ذیل ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، «گزارش‌های بازرسی در ارتباط با آیین نامه‌ها و تصویب نامه و بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که حاکی از تشخیص تخلف در موارد فوق الذکر باشد جهت رسیدگی و صدور رأی به دیوان عدالت اداری ارسال می‌گردد. رسیدگی به این گونه موارد به طور فوق العاده و خارج از نوبت خواهد بود.»

حق شکایت از مصوبات قوه مجریه برای تمام اشخاص و حق نظارت رئیس مجلس، قضات دادگاهها، دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور بر مصوبات قوه مجریه همه و همه نشان می‌دهد که قانونگذار ایران که در موارد استثنایی و بنابر ضرورت، تصویب مقررات را به قوه مجریه محول کرده نسبت به مصوبات قوه مجریه کاملاً حساس و دقیق بوده و ضمانت‌ها، نظارت‌ها و محافظت‌های لازم را اعمال کرده تا از انطباق آن مصوبات با قوانین موضوعه و احکام شرعی اطمینان کامل حاصل نماید.

### نظارت بر نظارت در قوه قضائیه (نظارت مضاعف قوه قضائیه)

براساس بند سوم اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کمیسیونی به نام کمیسیون نظارت بر حُسن اجرای صحیح قوانین زیر نظر قوه قضائیه تشکیل شده است<sup>۲۷</sup> و وظایف این کمیسیون عبارت است از:

الف- رسیدگی به شکایات از بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری و دادگاه انتظامی قضات و بازرسی دیوان عالی کشور و کلیه دادگاهها و داسراها اعم از عمومی



و انقلاب اسلامی و نظامی که به دبیرخانه کمیسیون می‌رسد.

ب - رسیدگی به اعلانات و شکایات واحدهای مذکور از دستگاه‌های اجرایی و قضائی.

ج - رسیدگی به گزارش‌های بازرسی کل کشور و بازرسی دیوانعالی کشور، بررسی آراء دیوان عدالت اداری و آراء دادگاه عالی انتظامی قضات در موارد شکایت از آنها.<sup>۲۸</sup>

بدین ترتیب سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری از نظر نحوه عملکرد و آراء صادره به نوبه خود از طریق کمیسیون نظارت، تحت نظارت و بازرسی قوه قضائیه قرار می‌گیرند.

#### ۴ - نظارت قوه مجریه

##### ۴-۱ - نظارت ریاست جمهور

رئیس جمهور پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود برعهده دارد.<sup>۲۹</sup> ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است. مسئولیت اجرای قانون اساسی و اجرای سایر قوانین موضوعه با ریاست جمهور است.<sup>۳۰</sup>

رئیس جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است.<sup>۳۱</sup> ریاست قوه مجریه و ریاست هیأت وزیران و متقابلاً مسئولیت رئیس جمهور نسبت به اجرای قوانین و مسئولیتی که از ناحیه عملکرد وزراء در برابر مجلس دارد، همه و همه اقتضاء می‌کند که ریاست جمهوری بر کار وزیران و بر اجرای صحیح قانون اساسی نظارت داشته باشد. اصل یکصدوسی و چهارم صریحاً نظارت رئیس جمهور بر هیأت وزیران را پیش بینی کرده است به علاوه در ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری، با صراحت تمام و در دایره‌ای گسترده حق نظارت ریاست جمهوری پیش بینی شده است. برابر ماده یاد شده به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی می‌باشد. در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی،



رئیس جمهوری در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی، به نحو مقتضی اقدام می‌نماید و برای این منظور می‌تواند مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسؤول مربوطه برساند و علت توقف و یا عدم اجرا را خواستار گردد. مقام مسؤول موظف است پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رئیس جمهور برساند در صورتی که پس از بررسی به تشخیص رئیس جمهور توقف یا عدم اجرا ثابت گردد، نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام و در صورتی که تخلف مربوط به وزیر یا وزرا باشد به مجلس شورای اسلامی ارجاع می‌دهد و در غیر این صورت پرونده به مرجع صالح ارسال خواهد شد.

به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس جمهور حق اخطار و تذکر به قوای سه گانه کشور را دارد.<sup>۲۲</sup>

سازمان بازرسی کل کشور نیز وظیفه دارد به درخواست رئیس جمهور، به انجام بازرسی‌های فوق‌العاده اقدام نماید. در صورتی که گزارش بازرسی حاکی از سوء جریان مالی یا اداری باشد، سازمان بازرسی کل کشور وظیفه دارد موارد تخلفات و نارسایی‌ها و سوء جریان‌های اداری را به رئیس جمهور و بر حسب مورد به مرجع قضائی صالح یا مراجع اداری و انضباطی و نیز رئیس قوه قضائیه اعلام دارد.<sup>۲۳</sup>

### ب - سازمان برنامه و بودجه:

رئیس جمهور مسؤولیت امور برنامه و بودجه را مستقیماً برعهده دارد. (اصل یکصد و بیست و هشتم) سازمان برنامه و بودجه موظف است در مورد اجرای فعالیت‌ها و طرح‌های عمرانی که هزینه آن از محل اعتبارات جاری و عمرانی دولت تأمین می‌شود به منظور ارزشیابی و از نظر مطابقت عملیات و نتایج حاصله با هدف‌ها و سیاست‌تعیین شده در قوانین برنامه عمرانی و قوانین بودجه کل کشور، دستورالعمل‌ها و مشخصات طرح‌ها و مقایسه پیشرفت کار با جدول‌های زمانی فعالیت‌های جاری و طرح‌های عمرانی مربوط نظارت کند و برای انجام این منظور به طور مستمر از عملیات طرح‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی بازدید و بازرسی کند و دستگاه اجرایی را مرتباً در جریان نظارت و نتایج حاصل از آن بگذارد.<sup>۲۴</sup>

### ج - سازمان حسابرسی دولتی:

بازرسی قانونی و امور حسابرسی کلیه دستگاه‌هایی که مالکیت عمومی بر آنها مترتب است از قبیل بانک‌ها، مؤسسات و شرکت‌های بیمه و هم چنین شرکت‌های دولتی و مؤسسات و سازمانهای انتفاعی دولتی، بنیاد جانبازان، بنیاد شهید و سایر نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات و شرکت‌های تحت پوشش آنها و شرکت‌ها و مؤسساتی که به موجب قوانین و مقررات مربوط توسط مدیریت منتخب دولت و یا تحت پوشش دستگاه‌های اجرایی اداره می‌شود و سایر دستگاه‌های عمومی که طبق اساسنامه و مقررات مورد عمل مکلف به تعیین بازرس قانونی و انجام حسابرسی می‌باشند، از وظایف انحصاری سازمان حسابرسی است.<sup>۳۵</sup>

### د - نظارت شوراهای اسلامی کشور

نظارت بر اجرای هماهنگ و کامل برنامه‌های مصوب در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی برعهده شوراهای اسلامی کشور است.<sup>۳۶</sup>

### ه - نظارت در سایر سطوح قوه مجریه

نظر به اینکه هر یک از وزرا در حدود قانون اختیاراتی دارند و در برابر رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی مسئول وظایف خاص خویش هستند طبیعی است که بر وزارتخانه‌ها مربوطه و سازمانهای تابعه آن نظارت داشته باشند. ذیلاً برخی از مراجع نظارتی و بازرسی را که زیرمجموعه قوه مجریه محسوب می‌شوند نام می‌بریم:

۱ - اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی به منظور اجرای صحیح قانون کار و تأمین اجتماعی و رعایت ضوابط حفاظت فنی تشکیل شده است. برخی از وظایف اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی عبارتند از: نظارت بر اجرای مقررات ناظر بر شرایط کار به ویژه مقررات حمایت مربوط به کارهای سخت و زیان آور و خطرناک مدت کار، مزد، رفاه کارگر، اشتغال زنان و کارگران نوجوان و نظارت بر اجرای صحیح مقررات قانون کار و آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به حفاظت فنی.<sup>۳۷</sup>

۲ - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دستگاه‌های ذی ربط موظفند حسب



مورد بر خدمات افراد حقیقی و یا حقوقی تأیید صلاحیت شده به صورت مستمر نظارت و در صورت مشاهده تخلف ضمن رد صلاحیت آنها موضوع را به مراجع قانونی ارجاع نمایند. گزارش تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی به وسیله ناظرین و بازرسین ویژه‌ای که توسط وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و یا مدیران عامل سازمانهای منطقه‌ای بهداشت و درمان تعیین می‌شوند تهیه می‌گردد. کلیه گزارشات تخلفات مندرج در قانون مذکور باید به تأیید ناظرین و بازرسین ویژه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برسد.<sup>۲۸</sup>

امر بازرسی و نظارت بر نحوه توزیع و قیمت دارو، شیرخشک و لوازم پزشکی یکبار مصرف به عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است، نظارت بر واحدهای تولیدی از نظر رعایت بهداشت کار و درمان کارگری در صلاحیت بازرسان ویژه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است کما اینکه نظارت بر همین واحدهای تولیدی از نظر رعایت ضوابط حفاظت فنی با بازرسان ویژه اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی است (تبصره ۱ ماده ۹۶ قانون کار و تأمین اجتماعی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) انجام نظارت و کنترل کیفی بر فرآورده‌های دارویی، مواد بیولوژیک، خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی و آرایشی، آزمایشگاهی و تجهیزات و ملزومات و مواد مصرفی پزشکی و توانبخشی را برعهده دارد.

۳- نظارت بر اجرای استانداردهای اجباری، کنترل کیفی کالاهای صادراتی و کنترل کیفی کالاهای وارداتی مشمول استاندارد اجباری و جلوگیری از صدور و ورود کالاهای نامرغوب از جمله وظایف مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران است.<sup>۲۹</sup>

۴- شورای اقتصاد، مسؤلیت قیمت گذاری، هماهنگی و نظارت بر امر قیمت‌ها را به عهده دارد.<sup>۴۰</sup>

#### ۴- سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات

سازمان مذکور، مسؤول دریافت شکایات و بازرسی و نظارت بر تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی است. به موجب قانون تعزیرات حکومتی، گرانفروشی، کم‌فروشی و تقلب، احتکار، عرضه خارج از شبکه، اخفاء و امتناع از عرضه کالا، فروش اجباری، خرید عمده کالا برخلاف ضوابط توزیع یا قیمت، جرم محسوب می‌گردد.



سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات (وابسته به وزارت بازرگانی) وظیفه دارد شکایات مردمی راجع به تخلفات فوق را دریافت نموده و بازرسان خود را نیز برای بازرسی و نظارت به واحدهای صنعتی یا کارخانجات اعزام نماید و در صورت کشف تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی، به تنظیم گزارش تخلفات و اعلام آن به شعب رسیدگی سازمان تعزیرات حکومتی اقدام نماید. (بند های ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۲ و ۱۳ آیین نامه اجرایی سازمان بازرسی و نظارت و بند الف ماده ۱۸ آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی) متأسفانه سازمان بازرسی و نظارت (وابسته به وزارت بازرگانی) در زمینه بازرسی بسیار ضعیف عمل کرده است و با به کار گرفتن یک کلیشه کهنه تکراری، از خود سلب مسؤولیت می نماید. آن کلیشه تکراری این است که هر وقت از علت عدم برخورد جدی با گرانفروشان سخن به میان می آید می گویند: «ما مسؤول مقابله با گرانفروشی هستیم نه مسؤول مقابله با گرانی!» برای نشان دادن ضعف این کلیشه تکراری کفایت تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی را بررسی کنیم؛ تنها گرانفروشی نیست که تخلف شمرده شده بلکه علاوه بر آن کم فروشی و تقلب در کیفیت کالا، احتکار، عرضه کالا خارج از شبکه توزیع، اخفا و امتناع از فروش کالا، خرید عمده کالا برخلاف ضوابط توزیع یا قیمت و تخلفات دیگری از این قبیل، همه و همه در امر گرانی و گران شدن به زور مستقیم یا غیرمستقیم مؤثرند. پس چگونه سازمان بازرسی و نظارت همواره ادعا می کند که ما مسؤول مقابله با گرانی نیستیم؟ به گمان بنده بازرسان سازمان تعزیرات حکومتی به خوبی کار سازمان بازرسی و نظارت را انجام می دهند. سازمان بازرسی و نظارت از یک طرف تشکیلات موازی است و از طرف دیگر در همان کار موازی نیز کم کار و کم اثر ظاهر شده است. زمینه اصلی و ریشه اساسی ارتکاب بسیاری از تخلفات یاد شده، نبود یا کمبود کالا از حد نیاز واقعی جامعه است و یا اینکه کالا به میزان کافی وجود دارد. لکن به موقع در دسترس مصرف کننده واقعی قرار نمی گیرد. برای ریشه کن کردن این تخلفات و یا حداقل برای کاهش از میزان این خلفات تنها نباید منتظر نشست تا شکایتی واصل شود بلکه با پیش بینی و اقدامات حساب شده باید زمینه هایی را که فضای مناسب برای ارتکاب تخلفات اقتصادی فراهم می کند از میان برد. این مهم جز از طریق ذیل تحقق نمی پذیرد: برنامه ریزی، ایجاد هماهنگی و نظارت در تأمین و توزیع کالاهای اساسی، حساس و ضروری کشور، تأمین



نیازهای واحدهای تولیدی و استفاده از حداکثر ظرفیت آنها، تنظیم عرضه کل از طریق نظارت بر صادرات، فراهم کردن تسهیلات کافی برای واردات کالا، سازمان‌دهی به شبکه‌های توزیع، تعیین ضوابط لازم برای توزیع کالا، استفاده از شبکه‌های خصوصی و تعاونی، عرضه مستقیم و زنجیره‌ای و فراهم نمودن امکانات و منابع مالی لازم استفاده از توان بخش بازرگانی دولتی در تدارک مواد اولیه کالاهای واسطه‌ای و مصرفی و انجام سایر فعالیت‌ها و اتخاذ تدابیر لازم در تأمین به موقع و توزیع صحیح کالاهای اساسی، حساس و ضروری کشور، بخش اعظم و قسمت عمده اهداف یاد شده با واسطه یا مستقیماً از وظایف مسئولان سازمان بازرسی و نظارت است. در حقیقت سازمان بازرسی و نظارت باید بازوی اجرایی قوی برای تحقق اهداف یاد شده باشد که متأسفانه نیست. از مجموع وظائف پانزده‌گانه‌ای که در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان بازرسی و نظارت طرح شده است تنها یک بند (بند هفم) مربوط به دریافت شکایات و بدنبال آن بازرسی شکایات است. سایر وظایف سازمان که مربوط به هدایت و حمایت از برنامه‌های اقتصادی کشور است، وظایفی است که سازمان بازرسی و نظارت عاجز از اجرا و انجام آن است. خوب دقت کنید که سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات را با سازمان بازرسی کل کشور اشتباه نکنید اولی زیر نظر وزارت بازرگانی بوده و بسیار ضعیف عمل کرده و دومی زیر نظر رهبری و قوه قضائیه بوده و مهمترین مرجع بازرسی در تمام کشور می‌باشد.

در خاتمه مبحث بازرسی و نظارت، مصوبه سومین همایش سازمان بازرسی کل کشور تحت عنوان «نظارت کارآمد» را به استحضار می‌رسانیم:

۱- ضرورت ساماندهی نظارت در کشور از طریق اصلاح ساختار دستگاه‌های ناظر و فراهم آوردن امکان استفاده از تمامی ظرفیت‌های قانونی و اجرایی.

۲- شفاف‌سازی سهم نظارت در بودجه کل کشور با توجه به حجم عملیات و طرح‌ها و پروژه‌های دستگاه‌های نظارت شونده.

۳- پیش‌بینی و تعیین کیفیت اعمال نظارت همزمان در کنار برنامه‌ها، طرح‌ها و تصمیم‌ها.

۴- اقدام در جهت توسعه فرهنگ نظارت‌پذیری به عنوان یک ارزش و هنجار در

جامعه.



- ۵- تقویت ضمانت اجرایی گزارش‌های کارشناسی نظارت و بازرسی.
  - ۶- ضرورت بهره‌مندی از شیوه‌های نوین و فن‌آوری اطلاعات به منظور اعمال نظارت بهنگام و تعیین میزان انحراف از اهداف، در راستای اولویت پیشگیری، نسبت به مقابله و مبارزه.
  - ۷- لزوم همکاری گسترده‌تر رسانه‌های جمعی به منظور اطلاع‌رسانی شفاف‌تر دستگاه‌های نظارتی به ویژه سازمان بازرسی کل کشور.
  - ۸- آگاهی‌سازی عمومی نسبت به تصمیم‌ها، سیاست‌ها و عملکردهای دستگاه‌های اجرایی به منظور توسعه نظارت عمومی در راستای نیل به نظارت کارآمد.
  - ۹- توجه جدی و عملی دستگاه‌های اجرایی کشور در خصوص خودکنترلی و تقویت نظارت‌های درون دستگاهی.
  - ۱۰- تبیین و تعیین نقش و جایگاه نظارت و بازرسی در برنامه‌های توسعه.
  - ۱۱- عزم ملی و توجه همه جانبه مسئولان نظام در قوای سه‌گانه در امر مبارزه با مفاسد اقتصادی، مالی و اداری در جهت تحقق منویات مقام معظم رهبری.
  - ۱۲- توسعه فرهنگ پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی و نظارتی در قبال اتخاذ تصمیم‌ها و اجرای برنامه‌ها.
  - ۱۳- لزوم بهره‌مندی از مکانیزم‌های نظارتی و بازرسی سایر کشورها به منظور تقویت نظارت در کشور.
  - ۱۴- ضرورت تولید علم در مقوله نظارت و بازرسی از طریق ارتباط منظم و هدفمند دستگاه‌های ناظر، به ویژه سازمان بازرسی کل کشور، با مراکز علمی - تحقیقاتی و دانشگاه‌ها و برگزاری همایش‌های علمی و کارگاه‌های آموزشی مشترک، به‌طور مستمر.
- امید است با عنایت بیشتر مسئولان به امر نظارت در کشور بیش از پیش در جهت تقویت و کارآمدی نظارت اقدام شایسته‌ای معمول گردد.

#### د- مراجع رسیدگی به شکایات و صدور حکم

صلاحیت عام محاکم دادگستری و صلاحیت دادگاه‌های خاص و هیأت‌های حل اختلاف در آزادی، امنیت و عدالت مفهومی مقدس دارد و تحقق آن در جامعه از آمال و



آرمان‌های همیشگی بشر بوده و هست. بشر فطرتاً جویای عدالت، امنیت و ورفیع تبعیض است. آنچه آزادی، امنیت و عدالت را مخدوش می‌سازد و به تبعیض و استبداد دامن می‌زند تمرکز ثروت و تمرکز قدرت است. نظام‌های غربی به بهانه نفی تمرکز قدرت در منجلاب تمرکز ثروت و سودجویی افتاده‌اند و به عکس نظام‌های کمونیستی به بهانه نفی سرمایه داری به تمرکز قدرت مبتلا شده‌اند. از اهداف اصلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نفی تمرکز ثروت و هم نفی تمرکز قدرت است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به منظور جلوگیری از تمرکز قدرت و برای تعدیل قدرت، اعمال حاکمیت از طریق قوای سه‌گانه صورت می‌پذیرد. مطابق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند».<sup>۴۱</sup> تقسیم قوای حاکم به قوه مقننه، مجریه و قضائیه، نوعی طبقه‌بندی مسئولیت و نوعی تقسیم قدرت و اختیارات است تا بدینوسیله آزادی و امنیت از خطر استبداد نجات یابد. هدف از استقلال قوای سه‌گانه، ایجاد توازن و تعادل بین قوای سه‌گانه است تا هر کدام بتوانند بدون دخالت قوه دیگر و بی آنکه تحت نفوذ قوه دیگر باشد به اهداف خاص قانونی خود نائل گردد و وظایف و مسئولیت‌های ویژه خود را ایفا نماید. در این میان اعمال قوه قضائیه بوسیله دادگاه‌های دادگستری است که طبق موازین اسلامی تشکیل می‌شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش اجرای عدالت و اقامه حدود الهی می‌پردازد. (اصل شصت و یکم قانون اساسی) قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت و عهددار و وظائف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و تعزیرات مدون

جزایی اسلام.





۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. (اصل یکصد و پنجاه و ششم).

علاوه بر آنچه در قانون اساسی آمده سیاست‌های کلی قضائی ذیل از طرف رهبری به قوه مقننه ابلاغ شده است:

۱- اصلاح ساختار نظام قضائی کشور در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت با اهتمام به سیاست‌های مذکور در بندهای بعدی.

۲- نظام مند کردن استفاده از بینه و یمین در دادگاهها.

۳- استفاده از تعدد قضات در پرونده‌های مهم.

۴- تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطوح مورد نیاز.

۵- تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضائی در قوه قضائیه با تعریف ماهیت قضائی و اصلاح قوانین و مقررات مربوط براساس آن و رسیدگی ماهوی قضائی به همه دادخواهی‌ها و تظلمات.

۶- کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب.

۷- یکسان سازی آیین دادرسی در نظام قضائی کشور با رعایت قانون اساسی.

۸- اصلاح و تقویت نظام نظارتی و بازرسی قوه قضائیه بر دستگاه‌های اجرایی و قضائی و نهادها.

۹- استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی.

۱۰- بالا بردن سطح علمی مراکز آموزش حقوقی متناسب با نظام قضائی کشور، بالا بردن دانش حقوقی قضات، تقویت امور پژوهشی قوه قضائیه و توجه بیشتر به شرایط مادی و معنوی متصدیان سمت‌های قضائی.

۱۱- بالا بردن سطح علمی و شایستگی اخلاقی و توان عملی ضابطان دادگستری و فراهم ساختن زمینه برای استفاده بهینه از قوای انتظامی.

۱۲- تأمین نیازهای قوه قضائیه در زمینه‌های مالی، تشکیلاتی و استخدامی با توجه به اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی.

۱۳- تعیین ضوابط اسلامی مناسب برای کلیه امور قضائی از قبیل قضاوت، وکالت، کارشناسی و ضابطان و نظارت مستمر و پیگیری قوه قضائیه بر حسن اجرای آنها.

۱۴- بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات

زندان.

۱۵- تنقیح قوانین قضائی.

۱۶- گسترش دادن فرهنگ حقوقی و قضائی در جامعه.

۱۷- گسترش دادن نظام معاضدت و مشاورت قضائی.

از ظرف دیگر وظیفه اصلی قوه مقننه، وضع قوانین مناسب است مطابق اصل هفتادویکم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. نیز وظیفه قوه مجریه، اجرای قوانین است. حال چنانچه شخص یا اشخاصی مرتکب تخلف یا جرمی شوند و به تعبیر دیگر قانون را نقض کنند دادگاههای دادگستری که زیر نظر قوه قضائیه هستند به آن جرم یا تخلف رسیدگی کرده و در صورت ثبوت جرم، مجازات مناسب را در مورد مجرم اعمال خواهند کرد. به عبارت دیگر مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگاههای دادگستری هستند (اصل یکصد و پنجاه و نهم). دادگاههای عمومی به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی تشکیل شده اند. رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزایی و امور حسبه با دادگاههای عمومی دادگستری است (ماده ۱ و ۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب) مگر آنکه استثنائاً رسیدگی به اموری خاص به حکم قانون به مرجع دیگری واگذار شده باشد. (تبصره ۲ ماده ۳ قانون مذکور) دادگاههای عمومی دادگاههایی هستند که علی الاصول صلاحیت رسیدگی به هر نوع دعوی را دارند و عدم صلاحیت آنها در مورد یا موارد مخصوص نیازمند به تصریح قانونی است. صلاحیت دادگاهها به معنای اختیار و شایستگی است که به موجب قانون به یک دادگاه واگذار شده نسبت به اموری که می‌تواند به آنها رسیدگی کند و در قلمروی که می‌تواند به آنها رسیدگی کند.<sup>۴۲</sup> منظور از صلاحیت عام محاکم دادگستری، صلاحیت محاکم دادگستری در مورد رسیدگی و صدور حکم نسبت به تمامی دعاوی و تظلمات است به طوری که عدم صلاحیت آنها در مورد یا موارد مخصوص باید مورد تصریح قانونگذار قرار گیرد. در نقطه مقابل دادگاههای اختصاصی دادگاههایی هستند که صلاحیت آنها جنبه استثنا بر صلاحیت دادگاههای عمومی را دارد و مورد صلاحیت آن را قانون باید به قید حصر و با ذکر عناوین خاص بیان کند. پس در دادگاههای عمومی، موارد عدم صلاحیت باید احصاء شود.



دانستیم که قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه از یکدیگر مستقلند و هر قوه مسؤلیت دارد که وظایف ویژه خود را انجام دهد و علی القاعده هیچ یک از قوای سه گانه نمی تواند در وظایفی که به حکم قانون به دو قوه دیگر محول شده است مداخله کند. با این وجود ممکن است در مواردی خاص، مصالح جامعه اقتضاء کند که وظیفه تعقیب و مجازات و تعزیرات مجرمان در قلمروی کاملاً محدود به محاکم ویژه قوه قضائیه و یا قوه مجریه محول شود.

### شعب تعزیرات حکومتی

۱- به موجب قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی (مصوب مجمع محترم تشخیص مصلحت) و تصویبنامه نمایندگان ویژه رئیس جمهور (مصوب ۲۳/۷/۷۳) و ماده ۱۸ آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی (مصوب ۲/۸/۷۳) در قلمرو تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی، صلاحیت رسیدگی و صدور حکم با شعب تعزیرات حکومتی است. منظور از تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی، تخلفاتی است که در قانون تعزیرات حکومتی برشمرده شده و برای مرتکبین آن مجازاتی خاص پیش بینی شده است.

تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی عبارتند از: ۱- گرانفروشی ۲- کم فروشی و تقلب ۳- احتکار ۴- عرضه خارج از شبکه ۵- عدم درج قیمت ۶- اخفا و امتناع از عرضه کالا ۷- عدم صدور فاکتور ۸- عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع ۹- عدم اجرای تعهدات واردکنندگان ۱۰- عدم اجرای تعهدات تولیدکنندگان ۱۱- نداشتن پروانه کسب واحدهای صنفی ۱۲- نداشتن پروانه بهره برداری واحدهای تولیدی ۱۳- فروش ارزی - ریالی ۱۴- فروش اجباری ۱۵- عدم اعلام موجودی ۱۶- خرید عمده کالا برخلاف ضوابط و مقررات توزیع یا قیمت از سوی اشخاص غیر واجد شرایط. تخلفات شانزده گانه یاد شده طی مواد ۲ الی ۱۷ قانون تعزیرات حکومتی پیش بینی شده است.

۲- مطابق اصل چهل و نهم قانون اساسی، «دولت موظف است ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به



وسیله دولت اجرا شود».<sup>۴۳</sup> مطابق ماده واحده قانون شمول اجراء نحوه اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی، بر ثروت‌های نامشروع فوق، ثروت‌های ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق نیز افزوده شده است. مطابق ماده واحده مذکور، «دادگاه‌های مربوط به اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی موظفند ثروت‌های محتکرین، گرانفروشان و قاچاقچیان را مورد بررسی دقیق قرار داده و نسبت به ضبط و ثبت و اخذ ثروت‌هایی که برخلاف ضوابط دولت جمهوری اسلامی ایران در اثر احتکار و گرانفروشی و قاچاق کسب گردیده به نفع دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایند.» قانون یادشده، درآمد من غیرحق را نسبت به ثروت‌های ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق نیز توسعه داده و در بخش غیردولتی رسیدگی و اخذ درآمد من غیرحق را در صورتی که ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق باشد در صلاحیت دادگاه‌های اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی دانسته است. نظر به ضرورت تثبیت قیمت‌ها و نظر به نقش اساسی و حساسی که تثبیت قیمت در ایجاد عدالت و امنیت اقتصادی دارد، هیچ مرجع دولتی مجاز به افزایش قیمت‌ها نیست مگر آنکه قبلاً مجوز افزایش قیمت در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. مجلس شورای اسلامی مهمترین مرجعی است که طی مصوبه خود می‌تواند افزایش قیمت برخی از کالاها یا خدمات را به تصویب برساند.

### دادگاه عالی انتظامی قضات:

به تخلفات و جرایمی که قضات دادگستری در مقام انجام وظیفه قضاوت مرتکب شده اند در دادگاه عالی انتظامی قضات رسیدگی می‌شود. دادگاه عالی انتظامی قضات منحصرأ با اعلام وزیر دادگستری و یا کیفرخواست دادستان انتظامی قضات به تخلفات قضات رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌نماید. دادرسی انتظامی قضات مکلف است ضمن رسیدگی به شکایات و طی بازرسی‌های منظم کمیت و کیفیت کار قضات را مورد ارزشیابی قرار دهد.<sup>۴۴</sup>

دادگاه عالی انتظامی قضات به نوبه خود مرجع تجدیدنظر از احکام صادره از دادگاه انتظامی وکلا است.<sup>۴۵</sup>



## دادگاه انتظامی وکلا

رسیدگی به تخلفات وکلا و کارگشایان دادگستری برعهده دادگاه انتظامی وکلا است. کسانی که از وکلا و کارگشایان دادگستری شکایتی دارند می‌توانند شکایت خود را به دادرای انتظامی وکلا تسلیم نمایند. مرجع تجدیدنظر از احکام صادره توسط دادگاه انتظامی وکلا، دادگاه عالی انتظامی قضات است. رأی دادگاه عالی انتظامی قضات قطعی است. ۴۶

## دادگاه انتظامی کارشناسان رسمی دادگستری

کسانی که از کارشناسان رسمی دادگستری شکایت دارند می‌توانند شکایت خود را به دادرای انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری تسلیم نمایند، دادرای انتظامی کارشناسان رسمی دادگستری، پس از رسیدگی به شکایات ارجاعی در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر و در غیراین صورت قرار منع تعقیب صادر می‌نماید چنانچه قرار منع تعقیب از طرف شاکی مورد قبول نباشد به دادگاه انتظامی کانون کارشناسان مراجعه می‌نماید چنانچه دادگاه انتظامی کانون قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید. مرجع رسیدگی به شکایات از دادستان و بازرسان کانون، دادرای انتظامی قضات است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## دادگاه انتظامی سردفتران و دفتریاران سازمان ثبت اسناد و املاک

رسیدگی به شکایات و گزارش‌های مربوط به تخلفات سردفتران و دفتریاران در اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور انجام می‌شود. نظارت و بازرسی دفاتر اسناد رسمی به وسیله بازرسان سازمان ثبت اسناد و املاک یا بازرسان کانون سردفتران یا هیأت‌های مخصوصی که از طرف وزارت دادگستری تعیین می‌شوند به عمل می‌آید. (مواد ۳۲، ۳۳ و ۷۱ قانون سردفتران اسناد رسمی)

## دادگاه نظامی

براساس اصل ۱۷۲ قانون اساسی:



محاکم نظامی مرجع رسمی رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی است. به موجب تبصره ۱ ماده ۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲، «منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی بزه‌هایی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط باوظایف و مسؤولیت‌نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است، مرتکب گردند.»<sup>۴۷</sup>

## هیأت رسیدگی به تخلفات اداری

تخلفات اداری کارمندان دولت به قرار زیر است:

اعمال و رفتار خلاف شؤن شغلی یا اداری؛ نقض قوانین و مقررات مربوط؛ ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور قانونی آنها بدون دلیل؛ ایراد تهمت و افترا، هتک حیثیت؛ اخاذی؛ اختلاس؛ تبعیض یا اعمال غرض یا روابط غیراداری در اجرای قوانین و مقررات نسبت به اشخاص؛ ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری؛ تکرار در تأخیر ورود به محل خدمت یا تکرار خروج از آن بدون کسب مجوز؛ تسامح در حفظ اموال و اسناد و وجود دولتی، ایراد خسارات به اموال دولتی؛ افشای اسرار و اسناد محرمانه اداری؛ ارتباط و تماس غیرمجاز با تبع بیگانه؛ سرپیچی از اجرای دستورهای مقامهای بالاتر در حدود وظایف اداری؛ کم‌کاری یا سهل‌انگاری در انجام وظایف محول شده؛ سهل‌انگاری رؤسا و مدیران در ندادن گزارش تخلفات کارمندان تحت امر؛ ارائه گواهی یا گزارش خلاف واقع در امور اداری؛ گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هرگونه مالی که در عرف رشود خواری تلقی می‌شود؛ تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را دارند؛ تعطیل خدمت در اوقات مقرر اداری؛ رعایت نکردن حجاب اسلامی؛ رعایت نکردن شؤن و شعائر اسلامی؛ اختفا، نگهداری، حمل، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر؛ استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر؛ داشتن شغل دولتی دیگر به استثنای سمت‌های آموزشی و تحقیقاتی؛ هر نوع استفاده غیرمجاز از شؤن یا موقعیت شغلی و امکانات و اموال دولتی؛ جعل یا مخدوش نمودن و دست بردن در اسناد و اوراق رسمی یا دولتی؛ دست بردن در



سؤالات، اوراق، مدارک و دفاتر امتحانی، افشای سؤالات امتحانی یا تعویض آنها؛ دادن نمره یا امتیاز، برخلاف ضوابط؛ غیبت غیرموجه به صورت متناوب یا متوالی؛ سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری؛ توقیف، اختفاء، بازرسی یا باز کردن پاکت‌ها و محمولات پستی یا معدوم کردن آنها و استراق سمع بدون مجوز قانونی؛ کارشکنی و شایعه پراکنی، وادار ساختن یا تحریک دیگران به کارشکنی یا کم کاری و ایراد خسارت به اموال دولتی و اعمال فشارهای فردی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی؛ شرکت در تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیرقانونی یا تحریک به برپایی تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیرقانونی و اعمال فشارهای گروهی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی؛ عضویت در یکی از فِرَق ضاله که از نظر اسلام مردود شناخته شده‌اند؛ همکاری با ساواک منحل به عنوان مأمور یا منبع خبری و داشتن فعالیت یا دادن گزارش ضد مردمی؛ عضویت در سازمانهایی که مرامنامه یا اساسنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها؛ عضویت در گروههای محارب یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها؛ عضویت در تشکیلات فراماسونری.

مرجع رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دولت، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری هستند که در هر اداره یا سازمانی مستقر می‌باشند. در صورتی که متهم به آراء قطعی صادره توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری اعتراض داشته باشد، می‌تواند حداکثر تا یک ماه پس از ابلاغ رأی به دیوان عدالت اداری شکایت نماید؛ در غیر این صورت رأی قابل رسیدگی در دیوان نخواهد بود. تخلفات اداری اعضای هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیأتی که از طرف هیأت عالی نظارت تعیین می‌شود رسیدگی خواهد شد.

## هیأت عالی نظارت

به منظور نظارت بر حسن اجرای قانون رسیدگی به تخلفات اداری در دستگاه‌های مشمول و برای ایجاد هماهنگی در کار هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری «هیأت عالی نظارت» به ریاست دبیرکل سازمان اداری و استخدامی کشور و عضویت یک نفر نماینده رئیس قوه قضائیه و سه نفر از بین نمایندگان وزرا و یا بالاترین مقام سازمانهای مستقل دولتی تشکیل می‌شود. هیأت مزبور در صورت مشاهده موارد زیر

از سوی هریک از هیأت‌های بدوی یا تجدیدنظر دستگاه‌های مزبور، تمام یا بعضی از تصمیمات آنها را ابطال و در صورت تشخیص سهل انگاری در کار هر یک از هیأت‌ها، هیأت مربوط را منحل می‌نماید. هیأت عالی نظارت می‌تواند در مورد کلیه احکامی که در ارای این قانون و مقررات مشابه صادر شده یا می‌شود، بررسی و اتخاذ تصمیم نماید.

الف- عدم رعایت قانون رسیدگی به تخلفات اداری و مقررات مشابه.

ب- اعمال تبعیض در اجرای قانون رسیدگی به تخلفات اداری و مقررات مشابه

ج- کم کاری در امر رسیدگی به تخلفات اداری.

د- موارد دیگر که هیأت بنا به مصالحی ضروری تشخیص دهد.

هیأت عالی نظارت می‌تواند بازرسانی رابه دستگاه‌های مشمول، اعزام نموده و در صورت مشاهده موارد تخلف، کارکنان متخلف را جهت رسیدگی به پرونده آنان به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری معرفی نماید.<sup>۴۸</sup>

### مرجع رسیدگی به شکایات از شوراهای اسلامی کشور

در صورتی که تصمیمات و اقدامات شوراها مغایر با وظایف و اختیارات قانونی آنها و مغایر قوانین عمومی کشور باشد مسئولان اجرایی مربوط می‌توانند با ذکر مورد و به طور مستدل حداکثر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ مصوبه، اعتراض خود را به اطلاع شورا رسانده و درخواست تجدیدنظر نمایند. شورا موظف است یک هفته از تاریخ وصول اعتراض، تشکیل جلسه دهد و به موضوع رسیدگی و اعلام نظر نماید. در صورتی که شورا، در بررسی مجدد، از رأی قبلی خود نسبت به مصوبه مورد اختلاف عدول ننماید موضوع به هیأت حل اختلاف استان ارجاع می‌شود. هیأت مزبور مکلف است ظرف ۱۵ روز به موضوع رسیدگی و اعلام نظر نماید. نظریه این هیأت در صورتی که در جهت لغو مصوبات شورای شهرها باشد در صورت تأیید هیأت مرکزی حل اختلاف، قطعی و لازم الاجراء خواهد بود هرگاه شورا، اقداماتی برخلاف وظایف مقرر یا مخالف مصالح عمومی کشور و یا حیف و میل و تصرف غیرمجاز در اموالی که وصول و نگهداری آن را به نحوی به عهده دارد انجام دهد به پیشنهاد کتبی فرماندار، موضوع جهت انحلال شورا به هیأت حل اختلاف استان ارجاع می‌گردد و هیأت مذکور به شکایات و گزارش رسیدگی و در صورت احراز انحراف هریک از شوراهای روستاها، آن را منحل



می‌نماید. و در مورد سایر شوراها در صورت انحراف از وظایف قانونی، بنا به پیشنهاد هیأت استان و تصویب هیأت حل اختلاف مرکزی، شوراها منحل می‌گردند. (مواد ۸۰ و ۸۱ قانون مذکور)

### هیأت رسیدگی به تخلفات انتظامی شاغلان حرفه‌های پزشکی

مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی شاغلان حرفه‌های پزشکی در هر شهرستان هیأت‌های بدوی انتظامی نظام پزشکی است هیأت بدوی انتظامی نظام پزشکی در موارد زیر مکلف به رسیدگی است:

الف- وصول شکایات از طرف شاکی خصوصی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی.  
ب- اعلام تخلف از طریق مراجع قضائی یا مسؤولان ذی ربط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا مؤسسات و سازمانهای دولتی.

پ- اعلام تخلف از طرف شورای عالی یا هیأت عالی انتظامی و رئیس یا هیأت مدیره نظام پزشکی شهرستان مربوط.  
مراجع یادشده در بندهای بالا حداکثر ظرف یک سال از تاریخ وقوع تخلف یا بروز عوارض می‌توانند به هیأت‌های بدوی اعلام شکایت کنند.

رأی هیأت بدوی باید موجه، مدلل و مستند به مقررات قانونی باشد.  
تجدید نظرخواهی از آرای صادر شده حداکثر ظرف (۲۰) روز از تاریخ ابلاغ رأی امکان پذیر است. تجدید نظر خواه باید در مدت یادشده اعتراض خود را به صورت کتبی به دبیرخانه هیأت عالی انتظامی تسلیم و رسید دریافت کند. رأی نهایی توسط هیأت عالی انتظامی صادر خواهد شد.

مسئولیت پیگیری اجرای احکام صادر شده با سازمان نظام پزشکی است. همچنین سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران در موارد ذیل با سازمان نظام پزشکی همکاری می‌نماید: نظارت، کنترل و ارزشیابی نحوه ارائه خدمات و رعایت قوانین و مقررات پرستاری؛ ارائه گزارش کارشناسی در مورد تخلفات پرستاری که از سوی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران برای مشاوره به این سازمان ارجاع گردیده است.<sup>۴۹</sup>



## هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف وزارت کار و امور اجتماعی

هرگونه اختلاف فردی بین کارفرما و کارگر یا کارآموز که ناشی از اجرای قانون کار و سایر مقررات کار، قرارداد کارآموزی، موافقت نامه‌های کارگاهی یا پیمانهای دسته جمعی کار باشد، در مرحله اول از طریق سازش مستقیم بین کارفرما و کارگر یا کارآموز و یا نمایندگان آنها در شورای اسلامی کار و در صورتی که شورای اسلامی کار در واحدی نباشد از طریق انجمن صنفی کارگران و یا نماینده قانونی کارگران و کارفرما حل و فصل خواهد شد و در صورت عدم سازش از طریق هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف، رسیدگی و حل و فصل می‌گردد. کارگری که مطابق نظر هیأت تشخیص باید اخراج شود، حق دارد نسبت به تصمیم به هیأت حل اختلاف مراجعه و اقامه دعوی نماید. رأی هیأت‌های تشخیص پس از ۱۵ روز از تاریخ ابلاغ آن لازم الاجرا می‌گردد در صورتی که ظرف مدت مذکور یکی از طرفین نسبت به رأی مزبور اعتراض داشته باشد اعتراض خود را کتباً از طریق واحد کار و امور اجتماعی به هیأت حل اختلاف تقدیم می‌نماید واحد کار و امور اجتماعی موظف است ظرف مدت سه روز اداری پرونده را به ضمیمه اعتراض، به هیأت حل اختلاف ارجاع نماید. رأی هیأت حل اختلاف پس از صدور قطعی و لازم الاجراء خواهد بود. در هر حال هیأت حتی الامکان ظرف مدت یک ماه پس از وصول پرونده، رسیدگی و رأی لازم را صادر می‌نماید. هیأت‌های حل اختلاف می‌توانند در صورت لزوم از مسئولین و کارشناسان انجمن‌ها و شوراهای اسلامی واحدهای تولیدی، صنعتی، خدماتی و کشاورزی دعوت به عمل آورند و نظرات و اطلاعات آنان را درخصوص موضوع، استماع نمایند. آراء قطعی صادره از طرف مراجع حل اختلاف کار، لازم الاجراء بوده و به وسیله اجرای احکام دادگستری به مورد اجرا گذارده خواهد شد. ۵۰

## کمیسیون مواد هفتادوهفت و صد شهرداری

می‌دانیم که هر مالکی قصد معامله ملک خود را داشته باشد، قبل از ثبت معامله در دفاتر اسناد رسمی، مکلف است که عوارضی را که از سوی شهرداری میزان آن تعیین شده است بپردازد. اگر مالک (و یا هرکسی که ملزم به پرداخت عوارض شهرداری است) به میزان عوارضی که از سوی شهرداری تعیین شده اعتراض داشته باشد، می‌تواند به

کمیسیون رفع اختلاف ماده هفتاد و هفت شهرداری شکایت نماید. اعضای کمیسیون حل اختلاف را نمایندگان وزارت کشور و دادگستری و شورای شهر تشکیل می‌دهند. (مواد ۷۴ و ۷۷ قانون شهرداری) نیز مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن، باید قبل از هر اقدام عمرانی تفکیک اراضی و شروع به ساخت و ساز از شهرداری پروانه اخذ نمایند. شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی ساختمان‌های بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه (از قبیل اضافه بنای زاید بر مساحت مندرج در پروانه ساختمانی) جلوگیری نماید. چنانچه مالک اعتراضی به شهرداری داشته باشد می‌تواند به کمیسیون حل اختلاف موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری شکایت نماید. کمیسیون یادشده مرکب از نماینده وزارت کشور، یکی از قضات دادگستری و یک نفر از اعضای شورای اسلامی شهر است. (ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های الحاقی آن)

### شورای انتظامی نظام مهندسی

همانگونه که می‌دانیم مهندسان ناظر ساختمان، ملزم به رعایت مقررات ملی ساختمان، هستند. مقررات ملی ساختمان به منظور اطمینان از ایمنی، بهداشت، بهره‌دهی مناسب، آسایش و صرفه اقتصادی در جهت حمایت از مردم به عنوان بهره‌برداران از ساختمان‌ها و فضاهای شهری و ابنیه و مستحدثات عمومی و حفظ و افزایش بهره‌وری منابع مواد و انرژی و سرمایه‌های ملی وضع شده است. حال چنانچه مهندسان ناظر، مقررات فوق را رعایت نکنند هر شخصی حقیقی و یا حقوقی اعم از صاحب کار، زیان دیده از تخلف، می‌تواند شکایت خود را به طور کتبی و با درج مشخصات و شرح تخلف مورد ادعا، به دبیرخانه نظام مهندسی استان ارسال یا تحویل نماید. شورای انتظامی استان ملزم است به شکایات واصله رسیدگی نماید. آرای شورای انتظامی استان چه مبنی بر عدم وقوع تخلف باشد و چه مبنی بر وقوع تخلف باشد در هر دو صورت، ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظر است. مرجع تجدیدنظر از تصمیمات و آرای شورای انتظامی استانها، شورای انتظامی نظام مهندسی است. تجدید نظر خواه می‌تواند درخواست خود را مستقیماً به دبیرخانه شورای انتظامی نظام مهندسی تسلیم یا ارسال نماید. همچنین هرگاه کسی از اعضای شورای انتظامی استان به لحاظ عدم انجام وظایف قانونی، شکایتی داشته باشد می‌تواند شکایت خود را به دبیرخانه شورای



انتظامی نظام مهندسی تسلیم نماید. به لحاظ اینکه وزارت مسکن و شهرسازی، مسئولیت نظارت عالی بر اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی و مقررات ملی ساختمان را برعهده دارد، مالک و یا هر شخص دیگری که از مهندس ناظر شکایت داشته باشد می‌تواند شکایت خود را مستقیماً به وزارت مسکن و شهرسازی تسلیم نمایند. شورای انتظامی استان مکلف است به شکایات و اعلانات وزارت مسکن و شهرسازی خارج از نوبت و حداکثر ظرف یک ماه رسیدگی اعلام رأی نماید. (بند ۷ ماده ۹۷ و ماده ۳۵ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان و مواد ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۷ و ۱۰۱ آیین نامه اجرایی قانون فوق و تبصره ۷ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری)

### مرجع حل اختلاف مالیاتی

مرجع رسیدگی به کلیه اختلافات مالیاتی، هیأت حل اختلاف مالیاتی است. اداره امور هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و مسئولیت تشکیل هیأت‌ها برعهده سازمان امور مالیاتی کشور است. هرگاه کسی نسبت به میزان مالیات مندرج در برگ تشخیص مالیات اعتراض داشته باشد و یا معلوم شود که اداره امور مالیاتی به علت اشتباه در محاسبه، مالیات اضافی دریافت کرده است، می‌تواند ظرف سی روز اعتراض نسبت به مبلغ مالیات خود و درخواست استرداد مالیات اضافی را به دبیرخانه هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی که مستقر در سازمان امور مالیاتی است تسلیم نماید. جهت حضور مؤدی یا نماینده مؤدی و نیز جهت اعزام نماینده اداره امور مالیاتی زمان رسیدگی هیأت حل اختلاف مالیاتی باید به آنها ابلاغ شود. فاصله تاریخ ابلاغ و روز تشکیل جلسه هیأت حل اختلاف، نباید کمتر از ده روز باشد. چنانچه مؤدی یا اداره امور مالیاتی نسبت به رأی قطعی هیأت حل اختلاف، اعتراضی داشته باشد، می‌تواند ظرف یکماه از شورای عالی مالیاتی، تقاضای تجدیدنظر نماید. رأی شورای عالی مالیاتی قطعی و لازم الاجرا است.

### مرجع رسیدگی به شکایات از مأموران مالیاتی

مرجع رسیدگی به تخلفات اداری کلیه مأموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی در هیأت‌های حل اختلاف و کلیه مأمورانی که طبق قانون، مسئول وصول



مالیات هستند، هیأت عالی انتظامی مالیاتی است. هیأت عالی انتظامی مالیاتی حکم مقتضی مبنی بر برائت یا محکومیت متهم را صادر می‌کند. رأی مزبور ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی، قابل تجدیدنظر است مرجع تجدیدنظر مرکب است از: رئیس هیأت عالی انتظامی مالیاتی، رئیس شورای عالی مالیاتی و یکی از اعضای هیأت عالی انتظامی. رأی مرجع تجدیدنظر قطعی و لازم الاجراء است. چنانچه رأی مرجع تجدیدنظر توسط دیوان عدالت اداری نقض شود و یارسیدگی مجدد لازم باشد، پرونده به هیأتی مرکب از سه نفر به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی احاله خواهد شد. مرجع رسیدگی به شکایات از اعضای شورای عالی مالیاتی و اعضای هیأت عالی نظارتی به تخلفات انتظامی اعضای شورای عالی مالیاتی و اعضای هیأت عالی انتظامی، در دادگاه اختصاصی اداری مرکب از یکی از رؤسای شعب دیوان عالی، رئیس کل دیوان محاسبات و رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور، رسیدگی می‌شود. (باب پنجم از قانون مالیات‌های مستقیم و قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۲۷/۱۱/۱۳۸۰ مواد ۲۱۹ الی ۲۷۰)

## مرجع نهایی تجدید نظرخواهی از آراء دادگاههای اداری و هیأت‌های حل اختلاف

هرگاه آراء و تصمیمات قطعی و دادگاههای اداری و هیأت‌های بازرسی و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، شورای کارگاه، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، مورد اعتراض و شکایت اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی باشد، شکای می‌تواند از دیوان عدالت اداری درخواست مجدد رسیدگی نماید. علت در خواست تجدید نظر یا این است که مراجع یادشده برخلاف مفاد قانون رأی داده‌اند و یا اساساً صلاحیت رسیدگی به دعوی را نداشته‌اند و یا از اختیارات خود سوءاستفاده نموده و یا از انجام وظایفی که به موجب قانون ملزم به اجرای آن بوده‌اند سر باز زده و به همین دلیل موجب تضییع حقوق اشخاص شده‌اند. شعبه دیوان عدالت اداری در صورت لزوم پرونده‌ها و سوابق و اسنادی را که در واحدهای دولتی و مؤسسات وابسته و شهرداری‌ها است مطالبه کرده و ملاحظه و مطالعه نماید. واحدی که پرونده یا سوابق و اسناد نزد او است علی القاعده ملزم به ارسال مدارک به شعبه



دیوان عدالت اداری و هرگاه مسئول ارسال پرونده از ارسال و ابران سند یا پرونده امتناع ورزد، به حکم شعبه دیوان عدالت اداری، به انفصال موقت از خدمات دولتی و نهادهای انقلابی به مدت یک سال محکوم خواهد شد. دیوان عدالت می‌تواند هرگونه تحقیقی را که برای رسیدگی به شکایت و صدور حکم ضروری است به عمل بیاورد و یا آن را از مراجع قضائی یا اداری تقاضا نماید. رأی صادره از شعبه دیوان عالی عدالت اداری به نوبه خود قابل تجدید نظر خواهی است. دادخواست تجدید نظر به دفتر شعبه صادر کننده تسلیم می‌شود و دفتر شعبه موظف است ظرف ۲ روز پرونده و درخواست تجدید نظر را تسلیم رئیس کل دیوان عدالت اداری نماید. پرونده مذکور که متضمن درخواست تجدید نظر است در هیئتی مرکب از رئیس کل یا قائم مقام رئیس کل دیوان به همراه شش نفر از رؤسای شعب دیوان مطرح می‌گردد. رأی صادره از طرف هیئت تجدید نظر، نهایی و لازم الاجراء است. (مواد ۱۱، ۱۸ و ۱۹ از قانون دیوان عدالت اداری و مواد ۳۶ الی ۴۴ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری) هرگاه محکوم علیه از طرز کار و یا آراء دیوان عدالت اداری شکایتی داشته باشد می‌تواند شکایت خود را به دبیرخانه کمیسیون نظارت بر حسن اجرای قوانین، مستقر در وزارت دادگستری تسلیم نماید. بدین ترتیب، شکایاتی که در دادگاههای اداری و مراجع حل اختلاف طرح یم شوند به ترتیب در دیوان عدالت اداری و کمیسیون نظارت بر حسن اجرا قوانین قابل تجدید نظر خواهی و پیگیرند لذا دیوان عدالت اداری نیز به نوبه خود تحت نظارت کمیسیون نظارت است. (مواد ۱، ۷ و ۸ آیین نامه کمیسیون نظارت) اقدامات فرستنی

از آنچه گفته شد وضعیت حقوقی مقدمات و مقارنات و عواقب بازرسی و نظارت به منظور پاسخگویی شناخته شد، و در کلام آخر آنچه آوردیم مختصری بود از مراحل تنظیم و تضمین پاسخگویی در نظام حقوقی ایران. بررسی خلأهای قانونی و اقدامات حمایتی به منظور تقویت پاسخگویی، مجال مستقل دیگری را می‌طلبد. به هر ترتیب تا وضعیت موجود شناخته نشود، امکان دسترسی به وضعیت مطلوب امکانپذیر نخواهد بود. «والعاقبة لأهل التقوی و الیقین»



## پی‌نوشت‌ها:

۱. آزادی فرد و قدرت دولت، ص ۷۸.
۲. استاد شهید مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، بخش چهارم، اعتراف به حقوق مردم.
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۸۲/۵/۱۵
۴. منظور از منطق قانون، روح قانون یعنی مبنا و هدف قانون است اگرچه صراحتاً در قانون قید نشده باشد و منظور از منطوق قانون، معنایی است که قانون در آن معنا ظهور یا صراحت دارد.
۵. سیاست‌های کلی اقتصادی اجتماعی برنامه سوم توسعه
۶. ششم خرداد ماه سال ۱۳۸۳
۷. پانزدهم مرداد ماه سال ۱۳۸۲
۸. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۴۰۰
۹. مطابق اصل ۵۰ قانون اساسی، «... فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن منازمه پیدا کند، ممنوع است.»
۱۰. سوره توبه، آیه ۲۴.
۱۱. سوره حدید، آیه ۲۰.
۱۲. نهج البلاغه، نامه ۶۳.
۱۳. قانون برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی، فصل اول مواد ۷-۶ و ۷-۱، ماده ۲۸ سیاست‌های کلی قانون برنامه سوم توسعه و ماده ۱۷ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه
۱۴. اصل پنجاه و هفتم و بند ۷ اصل یکصد و دهم قانون اساسی
۱۵. بند دوم اصل یکصد و دهم قانون اساسی
۱۶. بند ب ماده یک قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور
۱۷. تبصره ۹۸ قانون برنامه پنجساله دوم توسعه
۱۸. اصول یکصد و بیست و دوم و یکصد و سی و هفتم قانون اساسی
۱۹. اصل هشتاد و هشتم
۲۰. اصل نودم قانون اساسی و ماده واحد قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم و تبصره الحاقی آن مصوب ۲/۵/۱۳۶۴
۲۱. بند ب ماده ۱ قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور
۲۲. تبصره ۹۸ قانون برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی
۲۳. اصول پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم قانون اساسی
۲۴. مواد ۲ الی ۴ و ماده ۴۹ قانون دیوان محاسبات کشور
۲۵. اصول یکصد و شصت و یکم و یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی و ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری و ماده ۴ قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور.
۲۶. ماده ۱۲ اصلاحی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور
۲۷. کمیسیون مذکور غیر از کمیسیون‌های اصول ۷۶، ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی است. کمیسیون نظارت زیر نظر قوه قضائیه انجام وظیفه می‌کند در حالی که کمیسیون‌های اصول ۷۶، ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی زیرمجموعه قوه مقننه هستند.
۲۸. ماده ۸۸ آیین‌نامه کمیسیون نظارت بر حسن اجرای قوانین
۲۹. اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی



۲۰. اصول یکصد و سیزدهم و یکصد و بیست و یکم و یکصد و سی و چهارم قانون اساسی
۲۱. ذیل اصل یکصد و سی و چهارم
۲۲. ماده ۱۴ و ۱۵ قانون تعیین حدود وظایف و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری
۳۲. بند ب ماده ۱۲ اصلاحی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور
۳۴. بند ۶ ماده ۵ و مواد ۲۴ و ۲۷ قانون دیوان محاسبات کشور و تبصره ماده ۹۰ قانون محاسبات عمومی کشور
۳۵. ماده واحده قانون سازمان حسابرسی و ماده ۱۷ اساسنامه قانونی سازمان حسابرسی مصوب ۱۳۶۶/۶/۱۷
۳۶. اصل یکصدم قانون اساسی و ماده ۱۹ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری
۳۷. ماده ۹۶ قانون کار و تأمین اجتماعی
۳۸. مواد ۴۱ و ۴۲ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی
۳۹. مواد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۱۷ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران
۴۰. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فصل اول سیاست‌های کلی بند ۱۰- ۸ و بند الف ماده ۴۶ قانون برنامه سوم توسعه
۴۱. مطابق بند ۱ از اصل یکصد و دهم قانون اساسی، یکی از وظایف و اختیارات رهبر، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه است.
۴۲. ترمینولوژی حقوق، ج ۷، ۴۰۷، شماره ۱، ۲۲۶.
۴۳. در ذیل اصل چهل و نهم منضور از دولت، قوه مجریه نیست بلکه مقصود از آن، دولت به معنای عام کلمه است که معادل با حکومت است. بدیهی است از قوای حاکم، این قوه قضائیه است که صلاحیت رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی دارد.
۴۴. مواد ۲۶ و ۲۷ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری
۴۵. مواد ۱۲ و ۱۴ از لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری
۴۶. مواد ۱۲ و ۱۴ از لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری
۴۷. مراجعه کنید به ماده یک قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۸ مرداد ماه ۱۳۷۱
۴۸. قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مواد ۸، ۲۱ و ۲۲.
۴۹. مراجعه کنید به قانون ایجاد سازمان نظام پرستاری
۵۰. مواد ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲ و ۱۶۶ قانون کار و تأمین اجتماعی و آیین نامه چگونگی تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی هیات تشخیص موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار و آیین نامه چگونگی تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی هیات حل اختلاف مصوب ۶۹/۱۲/۱۲